

۲۳۱

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARDCase No. 89
Chamber Three

برونده شماره ۸۹

شنبه سه

حکم شماره ۲۲۵ - ۸۹ - ۳

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی امران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date ۱۲ MAY ۱۹۸۶	۸۹
۱۹۸۶ / ۱۲ / ۲۲	شنبه
No. ۸۹	شنبه

English version

Filed on ۲۲.۴.۸۶

۴۸/۳۰۳

نخه انگلیسی در تاریخ

ثبت شده است.

231

English version
Filed on ۲۲.۴.۸۶
۴۸/۳۰۳
نخه انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

مکاللو اند کامپنی، اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

وزارت پست و تلگراف و تلفن،

شرکت ملی نفت ایران، و

بانک مرکزی

DUPLICATE
ORIGINAL

خواندنگان

نسخه برابر اصل

حاضران:

از طرف خواهان:

آقای جرمیا دی. لمبرت

آقای ویلیام دی. کاستون

وکلای خواهان

آقای ای. سی. مکاللو

رئیس مکاللو انداکامپنی، اینکورپوریتد

از طرف خوانده : آقای محمدکریم اشراق
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای خسرو طبی
مشاور حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای مجید هریسچی
آقای احمد انصاری
نمایندگان وزارت پست و تلگراف و تلفن
آقای حسین فرهنگی
آقای رستم موئید بهارلو
نمایندگان شرکت ملی نفت ایران
آقای محمد اختراعی صناعی
نماینده بانک مرکزی

سایر حاضران : آقای جان آر. کروک
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

بخش اول

مسائل مقدماتی

- ۱ - مکالو اند کا مبنی ، اینکورپوریتد ("مکالو") ، خواهان پرونده حاضر ، دادخواست خود را در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبان ماه ۱۳۶۰) تسلیم نمود . مکالو علیه سخوانده ، وزارت پست و تلگراف و تلفن (پست و تلگراف) ، شرکت ملی نفت ایران (شرکت نفت) و بانک مرکزی ادعاهای مطرح کرد . این دعاوی مبتنی بر پارهای قراردادهای خدمات مشاورهای است که قرار بود مکالو در ایران انجام دهد . پست و تلگراف و شرکت نفت ادعاهای متقابل معتبراً بهی که ناشی از فعالیتهاي خواهان در ایران است ، مطرح گردداند .
- ۲ - در زمان ثبت دادخواست ، دعاوی مطروح علیه خوانده ، پست و تلگراف دریافت و با ثبت آنها موافقت گردید . دعاوی مطروح علیه شرکت نفت و بانک مرکزی ابتدا بدليل آنکه کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار بود به ثبت نرسید ولی نزد دیوان باقی ماند . در بیست و چهارمین جلسه دیوان عمومی که در ۱۸ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آذرماه ۱۳۶۰) تشکیل گردید ، تصمیم گرفته شد که ثبت دعاوی ادغام شده بصورت یک دعوای واحد ، پذیرفته شود . بدنبال یک درخواست اصلاح ، دعاوی مطروح علیه خوانده ، پست و تلگراف با دعاوی مطروح علیه خواندن ، شرکت نفت و بانک مرکزی در یک پرونده واحد ، یعنی پرونده حاضر ادغام گردید و در نتیجه کلیه دعاوی تسلیمی توسط مکالو برای ثبت پذیرفته شد .

-
- ۱ - رجوع شود به صفحه ۱۰ قرارموقت بشماره ۳۹-۱۵۹-۴ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۴ خرداد ماه ۱۳۶۳) مربوط به پرونده فورد اروپسیس اند کا میونیکیشنز کورپوریشن و نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران . دیوان در این قرارموقت تصریح کرد که "توا مکردن" دعاوی "بها این نکته مربوط می شود که آیا صحیح است ادعاهای این پرونده بصورت توا م ونه بصورت جداگانه مطرح شود یا خیروضی نفسه به مسأله صلاحیت دیوان نمی پردازد ."

۳ - طرفین لواوح مفصلی در ارتباط با کلیه مسائل این پرونده تسلیم کردند و

یک جلسه استماع مقدماتی در تاریخ ۲ مه ۱۹۸۴ (۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵)

برگزار شد.

خواهان در جلسه استماع مقدماتی خاطرنشان ساخت که قصد دارد ادعای

مطروح عليه بانک مرکزی را مسترد دارد. بانک مرکزی طی اثباتهای دیگری که در

تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۳ (۱۹۸۴) راجع به دینفع سودن خود در دعوی، به شبترساند

درخواست کرد که "دیوان ضمن صدور حکمی دادخواست خواهان را رد کرده....."

وی را موظف به پرداخت خسارات مربوطه بنماید.

در جلسه استماع، بانک مرکزی به درخواست استرداد ادعای خواهان عليه

بانک مذبور، اعتراض نکرد. با توجه به آنچه گذشت، بدینوسیله دیوان

رسیدگی به این پرونده را تا آنحا که به بانک مرکزی مربوط می‌شود،

مختومه اعلام می‌نماید.

۴ - جلسه استماعی جهت رسیدگی به کلیه موضوعات این پرونده در تاریخ ۹

سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۸ شهریور ماه ۱۳۶۴) تشکیل گردید. طرفین در این جلسه

حضور یافتند، اما خوانده، پست و تلگراف درخواست کرد نظریه آنکه

آقای بخشی، نماینده پست و تلگراف بعلت مشکلات مربوط به رزرو صندلی

در هواپیما هنوز نتوانسته است وارد لاهه شود، بنا بر این رسیدگی ما هوی

به دعا وی (و دعا وی متقابل) که عليه خوانده، پست و تلگراف یا توسط

وی مطرح شده است، به تعویق افتاد. بعلت اعتراض خواهان به تقاضای

تعویق، خوانده پیشنهاد کرد که خواهان موافقت کند رسیدگی به کلیه

مسائل این پرونده به روز بعد موکول گردد. با توجه بمراتب فوق، دیوان

تصمیم گرفت که رسیدگی به کلیه موضوعات این پرونده را به ساعت ۹:۳۰

با مداد روز ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۴) موکول کند. جلسه

استماع در روز ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۹ شهریور ماه ۱۳۶۴) تشکیل گردید

و طرفین در این جلسه حضور یافتند استدلالات شفا هی خود را ارائه کردند.

۶ - در جلسه استماع اين پرونده خواندگان درخواست گردند مدارك مستندی را که قبلاً در دفتر ديوان به ثبت نرسیده بود تسلیم نهایند. خواندگان مضاها " تقاضا گردند که چنانچه با تسلیم اين مدارك در جلسه استماع موافقت نشود، به طرفين پرونده احازه داده شود که در رابطه با مسائل مورد بحث، يک لايحه بعداً ز جلسه استماع به ثبت برسانند. خواهان به ثبت مدارك مستند مذبور با استناد به اينکه خارجاً ز موعد صورت گرفته و همچنین با ارائه هرگونه لايحه بعداً ز استماع اعتراض کرد. ديوان به اين نتيجه رسيد که بخاطر رعایت موازين برا بري و انصاف، قادر نیست در اين مرحله از رسيدگي مدارك بيشتری را بپذيرد. خوانده، پست وتلگراف در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) سندی تحت عنوان "لايحه بعداً ز جلسه استماع وزاري پست وتلگراف و تلفن" تسلیم کرد. ديوان پير و تضميم متخذه در جلسه استماع و با صدور دستور مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ مهرماه) تصميم گرفت که لايحه غير مجا ز خوانده، پست وتلگراف را نادیده انگارد.

۷ - خواندگان، پست وتلگراف و شركت نفت از ديوان درخواست گردند که به منظور بررسی صورتحسابها و تعیین صحت دعاوی متقابل (مربوط به پست وتلگراف) و نيزبمنظور ارزشيا بي ميزان خساراتي که شركت نفت در دعاوی متقابل خود مدعى آنست، کارشناصاني را منصوب نماید. خواهان با ذکر اين نکته که مسائل مطروحه نياز به کارشناصي ندارد، با انتصاب کارشناص مخالفت کرد. ديوان به اين نتيجه رسيده است که مسائل مورد بحث ايجاب نمی‌کنده در اين پرونده کارشناص منصوب شود.

بخش دوم

صلاحيت

۸ - ديوان ملاحظه نموده که هیچ ايرادي در مورد توجه دعوي به خواندگانی که در اين پرونده از ايشان نام برده شده بعمل نیامده است و چون تردیدی در اين زمينه ابراز نگشته، بنا بر اين ديوان نتيجه می‌گيرد که هرگدام از خواندگان اين پرونده مشمول تعریف " ايران " طبق بند ۳ ماده هفت سیاستیه حل و فصل دعاوی می‌باشد.

۹ - دعا وی حاضر همگی برای پرداخت حق الزحمه خدمات انجام شده قبل از تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) یا برای نقض قرارداد قبل از همان تاریخ است و در نتیجه ، کلیه دعا وی ناشی از دین یا قرارداد طبق مفهوم بیانیه حل و فصل دعا وی می باشد .

۱۰ - ذیلا" ، دعا وی (و دعا وی متقابله) که علیه هر کدام از دو خواسته باقی مانده (و توسط ایشان) مطرح شده بطور جداگانه مورد رسیدگی قرار می گیرد ، زیرا دعا وی (و دعا وی متقابل مربوطه) ، سوای این واقعیت که بوسیله خواهان این پرونده (یا علیه وی) اقامه شده اند هیچ رابطه ای با یکدیگر ندارند . مسائل ویژه صلاحیتی مربوط به هر یک از دعا وی (و دعا وی متقابل) نیز بطور جداگانه در رابطه با ماهیت دعا وی (و دعا وی متقابل) مورد رسیدگی قرار می گیرند .

بخش سوم

دعا وی مطروح علیه خوانده ، پست و تلگراف

سوابق امر

۱۱ - در سال ۱۹۶۹ دولت ایران تصمیم گرفت که یک شبکه یکپارچه مخابرات داخلی شامل تلفن ، تلگراف ، تلویزیون و تلکس با استفاده از سیستم های ارتباطی ما یکروویو ، ایجاد نماید . این شبکه بنام شبکه مخابراتی یکپارچه کش و معروف گردید . برای اجرای این تصمیم ، از خدمات یک کنسرسیوم بین المللی پیمانکاران مخابرات ، مشکل از جنرال تلفن اند الکترونیکز اینترنشنال اینکورپوریتد ، نیپون الکتریک کامپنی لیمیتد ، پیج کامپونیکیشن انجینیرز اینکورپوریتد ، وزیمن آس آگ (" کنسرسیوم جی ان پی اس ") ، استفاده شد . بعلت وسعت این پروژه ، تصمیم گرفته شد که " سازمان جداگانه و نیمه مستقل

مدیریت اجرای طرح "(پی ام او) بمنظور نظارت بر فعالیت و عملکرد کنسرسیوم جی ان پی اس تشکیل شده و این سازمان از همکاری یک مؤسسه مشاوره‌ای در امور مخابرات، برخوردار گردد. مذاکراتی با مکالو بعنوان مؤسسه مشاوره‌ای مورد نظر، انجام گرفت و در تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۷۰ (۱۵ مهرماه ۱۳۴۹) پست و تلگراف و مکالو قراردادی (که من بعد "قرارداد" نامیده می‌شود) امضا کردند. به موجب قرارداد، مکالو موافقت کرد که "برنا مریزی، نظارت، هماهنگی و مدیریت توسعه شبکه مخابراتی یکپارچه کشور" را بعده گیرد. قرارداد بعداً در هفت مورد مختلف اصلاح و تکمیل یا تمدید شد و در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۷۹ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۷) طرفین صورت‌مجلسي را امضا کردند که طبق آن، ضمن سایر مسائل، قرارداد بحالت تعليق درآمد. در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) قرارداد مذکور طبق شرائط مندرج در آن، خاتمه پذیرفت.

صلاحیت

تابعیت و استمرار مالکیت ادعای

- ۱۲ - خوانده، پست و تلگراف اظهار می‌دارد که خواهان تابعیت امریکائی یا استمرار مالکیت دعاوی خود را ثابت نکرده است.
- ۱۳ - خواهان مدارک مربوط به تابعیت و استمرار مالکیت دعاوی خویش را به این شرح تسلیم کرده است:
- (الف) نسخ گواهی قسمت ثبت شرکتها درایالت کلمبیا امریکا حاکی از اینکه در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۷۱ (۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۹) شرکت خواهان به ثبت رسیده و در تاریخ ۳ اوت ۱۹۸۳ (۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۲) "طورقانونی تشکیل یا فتوودا بر... و مجازیه انجام معامله بوده است"؛

(ب) شهادتنا مه آقای ای . سی . مکاللو رئیس شرکت مکاللو و شهادتنا مه آقای روبرت اس کوک حسابرس مکاللو دایر براینکه مکاللو مستمرا " مالک دعاوی این پرونده بوده و آقای مکاللو زفوریه ۱۹۷۹ تا فوریه ۱۹۸۴ اصالتا " و نیز بعنوان امین خانواده خود، مالک حداقل ۵۸/۵ درصد از سهام مکاللو بوده است .

(ج) شناسنا مه آقای مکاللو و اعضاء خانواده ای مبنی براینکه ایشان از بدو تولد شهروند امریکا بوده اند .

۱۴ - دیوان براساس مدارک پیشگفته به این نتیجه رسیده است که خواهان تبعه ایالات متحده امریکا و مستمرا " مالک دعاوی این پرونده بوده و در نتیجه، واجد شرائط مندرج در بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد .

قید انتخاب مرجع رسیدگی

۱۵ - خواننده، پست و تلگراف اظهار می دارد نظریه آنکه در ماده ۱۲ قرارداد مشخصا " قید شده است که حل هر نوع اختلاف مربوط به قرارداد منحصرا " در صلاحیت دادگاه های صالحه ایرانی است ، بنابراین ادعاهای مطروح علیه پست و تلگراف طبق مفاد بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی از حیطه شمول صلاحیت دیوان مستثنی است . خواهان با این ادعای خواننده مخالف است .

۱۶ - خواهان نسخ امضاء شده قرارداد را به زبانهای فارسی و انگلیسی تسلیم و خواننده معتبر بودن آنرا تصدیق کرده و هر دو طرف موافق است دارند که هر دو متن بیکاندازه معتبر والزم آور است . در ماده ۱۶ قرارداد قید شده است که :

" اعتبار قرارداد "

این قرارداد در پنج نسخه به زبان فارسی و انگلیسی تهیه و امضاء شده است و هر دو زبان دارای اعتبار مساوی و یکسان است

۱۷ - طرفین تصدیق می‌کنند که متن فارسی و انگلیسی ماده ۱۲ قرارداد حاوی شرایطی در مورد حل و فصل اختلاف است که از نظر محتوی با یکدیگر متفاوت است . متن انگلیسی * بشرح زیر است :

SETTLEMENT OF DISPUTES AND ARBITRATION

All disputes which might possibly arise under this contract or through different interpretation of its clauses between parties to this contract and which cannot be settled through negotiation or correspondence in a friendly manner will first be brought up in a committee consisting of representatives of the Ministry of PTT, Plan Organization and the Consultant for the settlement of disputes(.) (S)hould no agreement be reached or one of the parties to this contract object to the decisions of the committee, the subject matter of the dispute shall be decided and settled in accordance with the Iranian laws.

طرفین همچنین موافقت دارند که جمله اول متن فارسی از نظر محتوی با متن انگلیسی یکسان است . اما جمله دوم در یک ترجمه مورد قبول طرفین ، بشرح زیر است :

Should not settlement be reached in the committee the issues of the disputes shall be settled in accordance with the Laws of the Government of Iran and by the competent courts of Iran.

(خط تاء کید اضافه شده است) .

۱۸ - هرگاه بین دو متن از یک قرارداد کمبه دوزبان تهیه شده و هردو را اعتباریکسان برخوردارند ، اختلاف آشکاری از نظر معنی وجود داشته باشد ، ابتدا باید سعی نمود که طبق اصول کلی تفسیر قراردادها ، قرارداد را بنحوی

* متن فارسی به این شرح است :

ماده ۱۲- حل اختلافات

کلیه اختلافات ناشی از تغییر مفاوضه مندرجات این قرارداد که بین طرفین بروز کند و حل آن از طریق مذاکرات و یا مکاتبات مسالمت آمیز میسر نگردد باید در کمیته ای مرکب از نماینده ایان وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان برنامه و مشارک و مطرح شود .

* دنباله زیرنویس در صفحه بعد *

تفسیر کرد که دو متن مذکور با یکدیگر مطابقت یا بند، این شیوه تفسیر، با اصل مندرج در بند ۳ ماده ۳۳ کنوانسیون وین پیرامون قانون معاہدات^(۲) که هم قراردادها و هم معاہدات را شامل می‌شود، منطبق است. در بند ۳ ماده ۳۲ کنوانسیون مزبور آمده است که: "عبارات معاہده درهای از متون معتبر، معنای یکسان خواهد داشت".

۱۹ - شکی نیست که استناد به ماده ۱۲ متن فارسی قرارداد، طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، موجب سلب صلاحیت از دیوان خواهد شد. بهمان اندازه نیز وشن است که چنانچه به ماده ۱۲ متن انگلیسی قرارداد استناد شود، نتیجه عکس نتیجه حاصلها متن فارسی حاصل می‌گردد، بدین معنی که خللی به صلاحیت دیوان وارد نمی‌آید. این نکته مطابق با مطلبی است که در قرار اعدادی صادره توسط دیوان عمومی در پرونده تی سی اس سی اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران تحت شماره FT-5-140 (۵ نوامبر ۱۹۸۲ برابر ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) بیان داشته و در صفحه ۲۶۱ جلد یکم Iran-U.S.C.T.R. به طبع رسیده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که این شیوه تفسیر، دو متنی را که اعتبار واحد دارند، با یکدیگر جمع نمی‌کنند.

۲۰ - دیوان در تلاش جهت جمع بین دو متن، به اصل دیگری از تفسیر قراردادهای زکه در بند ۴ ماده ۳۳ کنوانسیون وین آمده، متول شده است. در ماده مزبور آمده است که: "معنای را با یست پذیرفت که با توجه به هدف و منظور معاہده، به بهترین نحو متون را با یکدیگر جمع کنند". هر دو متن با هدف و منظور قرارداد سازگارند، زیرا هر دو حکایتی رو شی جهت حل اختلاف است. بنا بر این با اعمال این اصل نیز دو متن کما کان غیرقا بل حمایت باقی می‌مانند.

* دنبالهء متن از صفحه قبل *

هرگاه اختلاف در کمیته مزبور رفع نشود موضوع اختلاف طبق قوانین دولت ایران توسط محاکم صلاحیت دار ایران حل و فصل خواهد شد.

(۲) U.N. DOC. A/Conf. 39/27, 23 May 1969, entered into force 27 January 1980.

reprinted in 8 I.L.M. 679 (1969) ("Vienna Convention").

۲۱ - دیوان تحت این شرائط ناگزیر است که بمنظور یا فتن قرائتی که بتواند به بهترین نحو ترجمان قصد مشترک طرفین باشد، اقدامات مقدماتی و سایر اوضاع و احوال پیرامون تدوین قرارداد را بررسی کند. سه وضعیت که طرفین بدان استناد کرده‌اند درخور بررسی است.

۲۲ - اولین وضعیت که خواهان بدان استناد کرده وجود یک "پیش‌نویس موافقتنا مه" قبلی است ("پیش‌نویس‌سپتا مبر") که در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۵ (۱۸ شهریورما ۱۳۴۹) تهیه شده است. پیش‌نویس‌سپتا مبر حاوی قید حل اختلافی است که جمله اول آن عیناً "شبیه جمله اول ماده ۱۲، قرارداد می‌باشد، اما جمله دوم این قید می‌گوید چنانچه طرفین قرارداد نتوانند نسبت به موضوع اختلاف توافق حاصل نمایند یا یکی از طرفین تصمیم "کمیته" را رد کند:

"موضوع اختلاف طبق قوانین ایران از طریق داوری
یا دیوان‌نها^ی ذیصلاح در صورت لزوم حل و فصل خواهد
شد. (خط تاء کید اضافه شده است .)"

آقای مکالو رئیس شرکت خواهان اظهار می‌دارد که این جمله که صلاحیت را به دیوان تفویض می‌کند، به زبان انگلیسی و بوسیله آقای ابهری از سازمان برنامه ایران ("سازمان برنامه") که یکی از کسانی بود که "در بدوا مر... بدون استفاده از ترجمه فارسی و تنها به زبان انگلیسی یا او مذاکره نمود"، در پیش‌نویس موافقتنا مه گنجانده شد. آقای مکالو می‌افزاید تا آنجا که اطلاع دارد" در آن زمان متن فارسی پیش‌نویس همزمان تهیه نشده بود تا با پیش‌نویس قرارداد سپتامبر طبیعت داده شود" و "این تنها متن پیش‌نویس قرارداد است که وی از آن مطلع است". شک نیست آنچه که تلویحاً "مورد نظر خواهان است، آنست که متن انگلیسی ماده ۱۲ قرارداد با قصد مشترک طرفین بیشتر تطبیق می‌کند. خواهان حتی در جلسه استماع اظهار داشت که پیش‌نویس‌سپتا مبر هنوز یک موافقتنا مه معتبر است، زیرا اولین

موافقتنا مه از هفت موافقتنا مه الحقی ، که خواهان نیز بدانه استناد میورزد ، بعنوان " یک موافقتنا مه الحقی به قراردادی که در ۹ سپتامبر ۱۹۷۵ (۱۸ شهریورماه ۱۳۴۹) بین خواهان و خوانده ، پست و تلگراف به امضاء رسیده " توصیف گشته است . خوانده ، پست و تلگراف به نوبه خود موجودیت پیش نویس سپتامبر را تکذیب کرده و اظهار میدارد که به صورت ، قرارداد جانشین آن شده است . واقعیت آن است که بهر تقدیر ، در کلیه شش موافقتنا مه الحقی بعدی ، فقط به قرارداد اشاره شده است .

۲۳ - دیوان متذکر میشود که وجود یک پیش نویس موافقتنا مه ، از طریق ارائه پیش نویس سپتامبر محرز گشته است . با آنکه در ابتدا نسبت به روابط قراردادی طرفین تردیدها ؎ وجود داشت‌اما در حال حاضر هیچ ابهامی در این زمینه وجود ندارد و طرفین متعاقباً " پذیرفته‌اند که قرارداد ماه اکتبر و موافقتنا مهای الحقی بعدی ، حاکم بر روابط فیما بین است بنتظر دیوان ، آنچه بیشتر جای تردید دارد استنتاج واستنباطی است که از قید حل اختلاف مندرج در پیش نویس سپتامبر که از آن نقل شده ، می‌توان کرد . فقـدان متن فارسی این پیش نویس در همان زمان و نیز فقدان هر نوع مدرکی که دال بر تغییر قصـدو نیت طرفین پـاز تـدوین پـیش نویس سـپـتاـ مـبرـ کـهـ آـنـ نـقـلـ شـهـ خـواـهـ رـاـ قـوـتـ مـیـ بـخـشـدـ کـهـ پـیـشـ نـوـیـسـ سـپـتاـ مـبرـ تـرـجـمـاـنـ دقـیـقـ قـصـدوـ نـیـتـ مشـتـرـکـ طـرـفـینـ اـسـتـ . باـ اـيـنـ حـالـ اـيـنـ قـرـارـدـادـ وـ نـهـ پـیـشـ نـوـیـسـ سـپـتاـ مـبرـ اـسـتـ کـهـ آـخـرـيـنـ قـصـدـ طـرـفـينـ رـاـ منـعـكـسـ مـیـ سـازـدـ . بـنـاـ بـرـاـيـنـ دـيـوانـ نـتـيـجـهـ مـیـ گـيرـدـ کـهـ صـرـفـ وـجـودـ پـیـشـ نـوـیـسـ مـاـهـ سـپـتاـ مـبرـ وـ قـيـدـيـ کـهـ اـزـ آـنـ نـقـلـ شـهـ اـسـتـ ، بـهـ تـنـهـاـ ؎ نـمـيـ تـوـانـدـ درـ اـحـراـزـ نـيـتـ وـقـصـدـ مشـتـرـکـ طـرـفـينـ ، تعـيـينـ كـنـنـهـ باـ شـدـ .

۲۴ - خوانده ، پست و تلگراف از اوضاع و احوال دومی نام برده که آنرا ذیربط و دخیل می‌داند ، بدین ترتیب که طبق ماده ۱۶ قرارداد ، تنها در صورت

"تصویب سازمان برنامه" قرارداد "نافذ و قابل اجرا شده" نتیجتاً برای طرفین الزام‌وار می‌گشت. به اغلب احتمال، تایید و تصویب قرارداد توسط سازمان برنامه برآسان متن فارسی صورت گرفته است. بنا براین به‌گفته‌خوانده، پست و تلگراف، تنها متن فارسی قرارداد به‌قصدونیت طرف ایرانی جامه عمل پوشانده و خوانده، پست و تلگراف فقط مقید به این متن است. دیوان براین عقیده است که این استدلال با مفهوم صریح ماده ۱۶ قرارداد مغایر است، زیرا طبق آن ماده، متون فارسی و انگلیسی دارای اعتبار مساوی بوده و درنتیجه بطوریکسان برای طرفین الزام‌وارند. عازمه برآن، چون متن فارسی قرارداد که به تصویب سازمان برنامه رسیده مطابق با متن انگلیسی نمی‌باشد، بنا براین وظیفه طرف ایرانی مذاکرات بوده است که مراتب را به اطلاع خواهان رسانده و از خواهان بخواهد که متن انگلیسی را مورد تجدید نظر قرار دهد، تادو متن با یکدیگر تطبیق یا بند. چنین اقدامی صورت نگرفته است.

۲۵ - قصور در این زمینه، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال سوم بیشتر حائز اهمیت می‌گردد. رئیس شرکت خواهان اظهار می‌دارد که قرارداد "بوسیله (آقای مک‌کالو) یا نمايندگان (وی) تهیه نشده بود" بلکه "ابتدا به زبان انگلیسی به وسیله (وی) و (وزیر خوانده، پست و تلگراف) امضاء شد و سپس آقای ابهری (به‌وی) گفت که ترجمه فارسی، مطابق متن انگلیسی موافقتنا ماه است". چندان تردیدی نیست که آقای مک‌کالو که در مذاکرات مربوط به قرارداد شرکت می‌نمود، قادر به خواندن یا فهم زبان فارسی نبود، اما بر عکس طرف ایرانی می‌توانست به زبان انگلیسی صحبت کند و در واقع مذاکرات به زبان انگلیسی انجام گرفته است. تحت این شرایط، قصد و نیت مشترک طرفین نمی‌توانست به هیچ زبانی جز زبان انگلیسی احراز گردد و طرفی که می‌توانست هردو متن قرارداد را بخواند، موظف بود که با حسن نیت اطمینان حاصل کند که هردو متن با یکدیگر تطبیق می‌کنند، لکن اقدامی جهت حصول چنین اطمینانی صورت نگرفته است.

۲۶ - درنتیجه، دیوان متقادع شده است که اوضاع و احوال پیرامون مذاکرات قرارداد، نمایانگر آن است که قصدونیت مشترک طرفین هرگز این نبوده که اختلافات ناشی از قرارداد را منحصراً " تحت صلاحیت محاکم ذی صلاح ایران قرار دهدند. نتیجتاً " دیوان صلاحیت رسیدگی به دعا وی مطروحه علیه خوانده، پست و تلگراف را که از قرارداد ناشی شده باشد، دارد.

ماهیت دعوی

۲۷ - خواهان وجه صورتحساب‌های مربوط به خدماتی را که به موجب قرارداد انجام داده و با زیرداخت مبالغی را کم طبق قرارداد " بعنوان ضمان حسن انجام کار" کسر شده و نیز حق الزحمه بعضی خدمات را که در رابطه با قرارداد انجام داده و همچنین بهره متعلقه و هزینه‌های داوری را مطالبه می‌کند. بعلاوه، خواهان تقاضا دارد که مبلغ ریالی متعلقه به دلار و به نرخ تسعیر ۳۵/۲۰ ریال در برابر هر دلار، که حسب ادعا، نرخ تبدیل را یجدرزمان تعلیق و خاتمه قرارداد می‌باشد، به وی پرداخت شود. مسائل مربوط به بهره، هزینه و نوع ارز مورد پرداخت، بعداً بطور جداگانه در این حکم مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

صورتحسابها

۲۸ - خواهان خواستار پرداخت ۳۴ فقره صورتحساب جداگانه بمبلغ ۵۷۴،۵۸۸، ۳۲، ۳۲/۳۲، ۴۲۶، ۴۲۶ دلار امریکا به اضافه بهره می‌باشد که در زمان خاتمه قرارداد تاءدیه و تصفیه نشده بودند.

۲۹ - خوانده، پست و تلگراف به کلیه این صورتحسابها اعراض دارد و بعلاوه به تبدیل جزء ریالی صورتحسابها به دلار و همچنین به نرخ تبدیل، معتبر است.

۳۰ - صورتحسابها که شرح آن بلافاصله در زیرمیآید به سه گروه تقسیم میشوند.

(۲) ۳۱ - گروه اول شامل سه صورتحساب است که " نیمی از آن " پرداخت شده است. هرکدام از این صورتحسابها به دو حزء مساوی جهت پرداخت تقسیم شده است . یک جزء دلاری و یک جزء ریالی معادل همان رقم دلاری . حزء ریالی این صورتحسابها پرداخت شده است . آقای دان . اس . فارنز که از ماه مه ۱۹۷۶ تا ژوئیه ۱۹۷۹ در رابطه با موضوع این اختلاف در استخدام خواهان بوده، در شهادتنا ممای که به دیوان تسلیم داشته است اظهار میدارد که نمایندگان خوانده، پست و تلگراف به وی اطلاع داده بودند که این سه صورتحساب " درست بوده " و " پذیرفته شده‌اند " ، اما جزء دلاری آنها فقط به این علت که ایران با " کمبود ارز " مواجه است، پرداخت نشده باقی مانده است . موید این نکته، مطلبی است که در صورتمجلس فوق الذکر قید شده، بدین شرح که خوانده، پست و تلگراف " موقتا " قادر وجه کافی جهت تسویه تعهدات خود " منجمله بدھی به خواهان میباشد . آخرالاماء، نمایندگان خوانده، پست و تلگراف در جلسه استماع تصدیق کردند که این صورتحسابها معتبر بوده و دیگر مورد ایراد و اعتراض نمیباشند . در نتیجه، دیوان نیز این صورتحسابها را عنوان صورتحساب معتبر و قابل پرداخت میپذیرد .

۳۲ - گروه دوم، صورتحسابهای " تجدید نظر شده " است . خوانده، پست و تلگراف نیز بطور غیرمستقیم صحت تعدادی از این صورتحسابها را که عنوان " تجدید نظر شده " دارند تایید کرده است . خوانده، پست و تلگراف در لایحه خود به " صورتحساب شماره ۱۰۰۳/۱۰۰۲-۷۶۰۷ " مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۶ (۱۷ تیرماه ۱۳۵۵) اشاره کرده است . خوانده، پست و تلگراف در پیوست لایحه خود، صورتحسابی از خواهان ارائه کرده است که حاوی همان شماره تاریخ بوده و مطالب بسیاری روی آن نوشته شده و بنظر

(۲) صورتحسابهای شماره ۵۷۴- اس . دی . آر - ۷۸۰۲ ، ۵۷۷- اس . دی . آر - ۷۸۰۸ ، و ۵۸۲- اس . دی . آر . ۷۸۰۹ -

میرسد که رقم اصلی آن نزدیک به سه میلیون ریال بوده و رقم مزبور با دست اصلاح و بجای آن رقم ۲۰۳۵۹،۲۲۰ ریال بعنوان مبلغ کل نوشته شده است. خوانده، پست و تلگراف در لایحه خود مینویسد که این صورتحساب "بررسی شده و بعلت تکرار اشتباها از قبیل دوباره‌نویسی و اشتباها محساباتی، طبق رویه معمول، به دفتر (خواهان) عودت داده شد و (خواهان) نیز با قبول این اصلاحات، صورتحساب مذکور را با عنوان تجدید نظر شده در تاریخ ۱۱ مه ۱۹۷۸ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲) به وزارت خانه عوودت داد". در لایحه خوانده، پست و تلگراف سپس با پیوستی روبرو می‌شویم که شامل یک صورتحساب بدون قلم خوردگی از خواهان است با همان شماره وارقام اما عنوان "تجدد نظر شده در ۱۱ مه ۱۹۷۸" (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۲) را دارد و در آن، صورتحساب تجدید نظر شده عیناً شبیه یکی از ۳۴ صورتحساب مورد مطالبه خواهان بوده و حاوی همان شماره است. لاجرم با یاد نتیجه گرفت که صورتحساب "تجدد نظر شده" در واقع مورد قبول خوانده، پست و تلگراف قرار گرفته است. محتملاً قصد خوانده، پست و تلگراف تنها این بوده است که به زعم خود نمونه‌ای از اشتباها را که در گذشته، خواهان در تنظیم صورتحسابها مرتکب می‌شدها را نماید، اما، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خوانده با این کار، فی الواقع تا ییدکرده که آن دسته از صورتحساب‌های خواهان که رفع آنها عبارت "تجدد نظر شده" قید گردیده، احتماً لا" می‌بین ارقامی هستند که در واقع "مورد قبول" خوانده، پست و تلگراف قرار گرفته است. در واقع، نمایندگان خوانده، پست و تلگراف در جلسه استماع قبول کردند که رویه طرفین به همین ترتیب بوده است. از ۳۴ صورتحسابی که خواهان به دیوان تسلیم کرده است، ده صورتحساب بصورت "تجدد نظر شده" می‌باشد (منجمله دو صورتحسابی که نیمی از آنها پرداخت شده و در با لا

به آنها اشاره گردیده است). (۴) دیوان این ده صورتحساب را همانطور که ادعا شده است، بعنوان صورتحساب معتبر و قابل پرداخت، می‌پذیرد.

۳۳ - گروه سوم، صورتحسابهای "قطعی" هستند. بنظر می‌رسد که خوانده، پست و تلگراف پس از خاتمه روابط قراردادی طرفین، همچنان به بررسی مطالبات خواهان ادامه داده و در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۸۱ (اول روزی بهشت ماه ۱۳۶۰) وزیر خوانده، پست و تلگراف کتبای "از خواهان درخواست کرد که "کلیه سوابق و مدارک مربوطه را جهت تسهیل حسابرسی" ارسال (۵) دارد و فقط ۱۱ صورتحساب از ۳۴ صورتحساب را فهرست وار ذکر کرده است که شامل دو صورتحساب "نیم پرداخته" (و "تجدد نظر شده") و سه صورتحساب "تجدد نظر شده" دیگر که در بالا به آن اشاره شده، می‌باشد. با این کار عملاً ۷ صورتحساب که قبل "نیم پرداخته" یا "تجدد نظر شده" نبوده است، قطعی و مسلم گردید. (۶) بعلاوه، این واقعیت که پنج صورتحساب از یازده صورتحساب مورد سؤال، قبل "نیم پرداخته" یا "تجدد نظر شده" بوده است، به احتمال قوی، بدین معنی است که شش صورتحساب بقیه مورد سؤال نیز درست می‌باشد. موءیداین احتمال،

(۴) صورتحسابهای شماره آر-۴۴، آر-۵۰۳، آر-۵۰۴، آر-۷۷۱۱، آر-۵۷۰، آس. آر-۵۷۴، آس. دی. آر-۷۸۰۵، آس. دی. آر-۷۸۰۶، آس. دی. آر-۷۸۰۸، آس. دی. آر-۷۸۱۰، آس. دی. آر-۷۸۱۱، آس. دی. آر-۷۸۱۱، آس. دی. آر-۷۸۱۱، آس. دی. آر-۷۸۱۱

(۵) صورتحسابهای شماره آر-۴۶، آر-۷۶، آر-۹۶، آر-۵۷۴، آس. دی. آر-۷۸۰۷، آس. دی. آر-۷۸۰۸، آس. دی. آر-۷۸۱۰، آس. دی. آر-۷۸۱۱، آس. دی. آر-۷۸۱۲، آس. دی. آر-۷۸۱۳، آس. دی. آر-۷۸۱۴، آس. دی. آر-۷۸۱۵

(۶) صورتحسابهای شماره آر-۰۱۴، آر-۰۱۵، آر-۰۲۱، آر-۰۲۱، آس. آر-۰۲۸، آس. آر-۰۲۹، آس. آر-۰۳۰، آس. آر-۰۴۵، آس. آر-۰۴۶، آس. آر-۰۴۷، آس. آر-۰۴۸، آس. آر-۰۴۹، آس. آر-۰۵۰، آس. آر-۰۵۱، آس. آر-۰۵۲، آس. آر-۰۵۳، آس. آر-۰۵۴، آس. آر-۰۵۵، آس. آر-۰۵۶، آس. آر-۰۵۷، آس. آر-۰۵۸، آس. آر-۰۵۹، آس. آر-۰۶۰

این واقعیت است که پس از آنکه رئیس شرکت خواهان کتبای " درباره صورتحسابها مورد سؤال ، توضیح داد ، و بعد از آنکه خوانده ، پست و تلگراف در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۸۱ (۱۲ تیرماه ۱۳۶۰) به خواهان اطلاع دادکه سوابق درخواستی واصل گشته ولی احتمالاً " حسابرس و مقامات مالی را قانع نخواهد کرد و اطلاعات مفصلی بعداً " ارسال خواهد شد " ، خواهان اطلاع دیگری دریافت نکرد .

۴ - کلیه این صورتحسابها را میباشد در عین حال درا رتباط با صورتحساب مورخ ۴ فوریه ۱۹۷۹ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۷) مورد بررسی قرارداد که در آن تصدیق شده است که خوانده ، پست و تلگراف " مبالغ معتبرابهی " به خواهان بدهکار است ، و تنها دلیل عدم پرداخت را این واقعیت ذکر میکند که خوانده ، پست و تلگراف " موقتاً " فاقد وجود کافی جهت تسویه تعهدات خویش " است . قبل از جلسه استماع ، خوانده ، پست و تلگراف تنها بصورت کلی و غیر مشخص به صورتحسابها ایراد گرفته بود ، حال آنکه مدت‌ها مدارک مفصلی در اختیار داشته است . همانطور که در بالا اشاره شد ، ظاهرا " تا قبل از اواسط سال ۱۹۸۱ ، کلیه " سوابق " و مدارک موئید مورد نیاز خوانده ، پست و تلگراف در اختیار وی گذاشته شده بود . بحث و استدلال خوانده ، پست و تلگراف در مورد صورتحسابهای " تجدیدنظر شده " که شرح آن در بالا آمد ، دلیل بیشتری است براینکه خوانده ، اطلاعات مفصل و مشروحی در اختیار داشته است . بعلاوه ، خواهان در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۴ (۲۲ تیرماه ۱۳۶۳) مقادیر معتبرابهی مدارک مربوط به ۳۴ صورتحساب را در اختیار دیوان و خوانده قرارداده ، معد لک در لایحه‌ای که خوانده ، پست و تلگراف در تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۸۴ به ثبت رسانده ، اعتراض و ایرادی بصورت مشخص یا مشروح به هیچ‌کدام از اقلام صورتحسابها بعمل نیامده است .

- ۲۵ - خوانده، پست و تلگراف برای اولین بار در جلسه استماع درخواست تسلیم مدارکی را کرده از سال ۱۹۷۹ یا قبل از آن تاریخ، آنها را در اختیار داشته و ظاهرا "مدارک مزبور در مورد صورتحسابهای مختلف، ایجاد تردید می‌کند. ولی دیوان از پذیرفتن این مدارک خودداری کرد. با اینحال به استثنای یک مورد، سایر صورتحسابهای که خوانده، پست و تلگراف در جلسه استماع مشخصاً "به آنها اشاره کرده جزو یازده صورتحسابی که قبلاً" مورد سؤال واقع شده‌اند نیست. خوانده، پست و تلگراف دلیل موجهی راجع به اینکه چرا قبلاً" بصورت مشخص راجع به هر یک از صورتحسابها ایراد و سوالی مطرح نکرده، ارائه ننموده است.
- ۲۶ - تحت این شرایط، دیوان نتیجه می‌گیرد که مطالبات خواهان برمبنای ۳۴ فقره صورتحساب بمبلغ ۳۲،۵۸۸،۵۷۴ ریال و ۳۷۶/۳۷ دلار امریکا موجه است.

سپرده‌های حسن انجام کار

- ۲۷ - طرفین اختلافی در این مورد ندارند که بموجب ماده "پنج" موافقتنامه الحاقی شماره ۲ قرارداد، خوانده، پست و تلگراف ۵ درصد از بعضی از پرداختهای متعلقه به خواهان را "بعنوان ضمانت حسن انجام کار" کسر می‌کرد. در ادامه این ماده قید شده است که "بلافاصله پس از تکمیل یا خاتمه قرارداد (بهردلیلی بجز قصور (خواهان))، کل مبلغ مکـ.....وره پرداخت خواهد شد....". خواهان اظهار می‌دارد که قرارداد طبق شرایط خود در ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) خاتمه پذیرفت و وی تعهدات خود را به موجب قرارداد کامل "ایفاء کرد و درنتیجه مبالغ کسر شده می‌باشد.

سلافاصله پیش از ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) به وی با زپرداخت میشد . براین اساس ، خواهان مبلغ ۶۲،۳۴۷/۵۹ دلارا میریکا و ۴۶،۵۵۳،۸۷۱ ریال مطالبه میکند . به گفته خواهان ، این دو مبلغ جمع کل مبالغی است که خوانده ، پست و تلگراف بمحض شرط قراردادی فوق الذکر کسر کرده است .

۳۸ - خوانده انکار میکند که تعهدی نسبت به بازپرداخت مبالغ کسر شده دارد . خوانده همچنین به مبلغ مورد ادعای خواهان و نیز تبدیل ادعای ریالی به ادعای دلاری معتبر است .

۳۹ - خوانده در مخالفت با بازپرداخت این مبلغ ، اساسا " استدلال میکند که بدليل عیوب و نقائص موجود در خدماتی که خواهان به موجب قرارداد انجام داده وحوه کسر شده " بعنوان ضمانت حسن انجام کار " باید به خواهان پرداخت شود . خوانده اظهار میدارد که خواهان در اجرای کلیه تعهداتی که به موجب قرارداد بعده داشته ، قصور ورزیده است .

۴۰ - خوانده ، پست و تلگراف ادعای خود را بنحو مشخص تری مطرح کرده ، میگوید که کنسرسیوم جی ان پی اس ادعاهای معیناً بهی علیه وی مطرح کرده " این دعا وی عمدتا " بخاطر خساراتی است که در اثر عدم اجرای صحیح و بموضع تعهدات قراردادی (توسط خوانده) متوجه کنسرسیوم شده است و این قصور در اتحام تعهدات ، با توجه به مسئولیت‌های کلی (خواهان) در برابر سازمان مدیریت اجرای طرح ، مستقیما " قابل انتساب به قصور (خواهان) است . " خوانده در اظهاریه خود در این زمینه به داوری پرونده کنسرسیوم جی ان پی اس و پست و تلگراف (پرونده آی . سی . سی بشماره اس . آ / ۴۲۰۹) استناد میکند که زیرنظر اطاق بازرگانی بین المللی (آی . سی . سی) صورت گرفته است . خوانده اظهار میدارد که " ادعاهای و مطالبی که مدیریت و مقامات فنی کنسرسیوم جی ان پی اس ضمن اظهارات و شهادت خود در رابطه با دعوای کنسرسیوم و پست و تلگراف عنوان کردند ، اظهارات وی در رابطه با

طرز اجرای تعهدات خواهان را کاملاً "تائید می‌کند...." طبق اظهار خوانده در جلسه استماع، جریان داوری آی سی . سی درحالی ماه فوریه ۱۹۸۵ از طریق یک موافقتنامه حل و فصل میان طرفین ، خاتمه یافتہ است .

۴۱ - با لآخره ، خوانده اظهار می‌دارد که با نقص موجود در کارخواهان که در بالا به آن اشاره شد ، "شرط تخلف مندرج در قرارداد (ماده پنج موافقتنامه الحاقی شماره ۲۵) بدرستی مصدق می‌باشد" با اینحال ، خوانده در اظهار می‌دیگری اظهار می‌دارد که (این) قرارداد (.....) در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۷) بحالت تعليق درآمده و در ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) طبق شرائط مندرج در آن خاتمه پذیرفت است (.....) .

۴۲ - دیوان بعنوان یک موضوع مقدماتی به این نتیجه رسیده است که آنطور که طرفیین پرونده را مطرح کرده‌اند ، تردیدی نیست که قرارداد در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) طبق شرائط مندرج در آن ونه بعلت هر نوع قصوری از جانب خواهان ، خاتمه یافتہ است . بعلاوه دیوان نتیجه می‌گیرد که با توجه به مفاد صریح و خالی از ابهام ماده پنج موافقتنامه الحاقی شماره ۲۵ ، دیوان موظف است درباره نحوه اجرای تعهدات قراردادی خواهان تصمیم گیرد .

۴۳ - آنطور که دیوان استنباط می‌کند ، خوانده مدعی است که پاره‌ای معايب و نواقص ادعائی در خدماتی که خواهان به موجب قرارداد انجام داده ، با عث شده است که خساراتی متوجه خوانده گردد و این خسارات ، در جریان داوری دعوای میان کنسرسیوم جی آن پی اس و خوانده که زیرنظر آی سی سی ، صورت گرفت محرز گشته است . دیوان متذکر می‌شود که خوانده اظهار داشته که خساراتی در رابطه با طرح شبکه مخابراتی یکپارچه کشور متوجه وی گردیده و نحوه اجرای تعهدات طرف‌هاشی که در این طرح دخلت داشته‌اند ، موضوع دعوی در داوری آی سی بوده است . دیوان به این نتیجه رسیده است که بعلت فقدان ادله مowieid ، صرف اظهار خوانده ، برای اثبات رابطه علیت میان خساراتی که خوانده حسب ادعای متحمل گردیده و کاستی‌های ادعائی در نحوه ایفای تعهدات خواهان ، کافی

نمی باشد . و بعلاوه بمنظور دیوان خوانده اثبات نکرده است که به ردیل
دیگری می تواند از باز پرداخت وجه ضبط شده به خواهان خودداری نماید .

۴۴ - خوانده در تائید اعتراض خود به مبلغ درخواستی ، به مدرکی استناد
می کند که توسط " ذیحساب و مدیرکل قسمت مالی " پست و تلگراف امضاء
شده است . در این مدرک ، مانده سپرده ۱۳۳، ۳۸۵، ۴۰، ریال ذکر شده است .
خواهان ادله و مدرکی در رد این مدرک تسلیم نکرده است . دیوان متذکر
می شود که مدرکی که خوانده بدان استناد می ورزد فاقد تاریخ است ، اما از
متن این مدرک می توان استنباط کرد که بلاشک بعد از تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۸۴
(۱۰ شهریور ماه ۱۳۶۳) تهیه شده است . دیوان با توجه به آنچه گذشت
به این نتیجه می رسد که طبق مدرک تسلیمی ، جمع مبالغ سپرده (حسن انجام
کار) ۱۳۳، ۳۸۵، ۴۰، ریال می باشد . این رقم ظا هرا " شامل مبالغی است که از
صورتحسابهای صادره به دلار و صورتحسابهای صادره به ریال ، کسر شده
است . معذلک از روی مدارک تسلیمی نمی توان به طور دقیق تعیین کرد که
چه مبلغ از صورتحسابهای دلاری و چه مبلغ از صورتحسابهای ریالی کسر
شده است . از دادخواست تسلیمی می توان استنباط کرد که مبالغ
از لازم الائمه به دلار ۱۱/۵ درصد کل مبالغ لازم الائمه را تشکیل
می داده است . با توجه به اینکه مبنای دیگری جهت تسهیم کسرو وجود
ندارد ، دیوان نتیجه می گیرد که در پرونده حاضر ۱۱/۵ درصد مبالغ
مکسوره ، یعنی ۴، ۶۴۴، ۲۹۰ ریال به دلار امریکا ، و بقیه ، یعنی
۳۵، ۷۴۰ ریال ، به ریال قابل پرداخت می باشد . در تبدیل مبالغ
ریالی که قابل پرداخت به دلار امریکا تشخیص داده شده ، دیوان از نرخ
تبدیل ۳۵٪ / ریال که بنابه اظهار خواهان نرخ رایج درهنگام فسخ قرارداد پست
و تلگراف بوده ، استفاده می نماید . بالنتیجه ، مبالغ لازم الائمه
عبارتند از ۵۱۶/۹۲ دلار امریکا و ۳۵، ۷۴۰ ریال .

هزینه‌های بعد از قرارداد

۴۵ - خواهان همچنین وجه پنج صورتحساب به تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۸۳ (۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۱) را مطالبه می‌کند که جمع آنها به ۲۳۸،۶۰۵ دلار امریکا بالغ شده و بابت هزینه‌ها و خدماتی است که بعد از خاتمه قرارداد انجام گرفته است. خواهان بعنوان دلیل برداخت یکی از این صورتحساب‌ها^(۷)، تنها به ماده ده (الف) موافقتنامه الحقی شماره ۵ و در مورد چهار صورتحساب دیگر به اصل اجرت المثل استناد می‌کند. بعلاوه، خواهان در رابطه با یکی از این صورتحساب‌ها به صورت مجلس^(۸) و در مورد یکی دیگر از آنها به ماده ده (الف) موافقتنامه الحقی شماره ۵ استناد می‌نماید^(۹).

(۷) صورتحساب شماره MAC-PTT- 4 - 83 بیبلغ ۴۰،۴۹۹ دلار امریکا بابت با رو هزینه مسافرت هوایی کارمندان خارجی.

(۸) صورتحساب شماره MAC-PTT- 1 - 83 بیبلغ ۷۵،۸۵۶ دلار امریکا "بابت خدمات انجام شده توسط کارکنان دفتر خواهان بعد از ختم قرارداد، بمنظور همکاری با پست و تلگراف در دعا وی مطروح توسط وی علیه کنسرسیو:

(۹) صورتحساب شماره MAC-PTT- 2 - 83 بیبلغ ۶۸،۲۵۰ دلار امریکا "بابت بلیط دوسره هواییما و هزینه روزانه آقای بروس مک نیل برای پایان دادن به قرارداد و مذاکرات جهت پرداخت نهائی صورتحسابها".

۴۶ - دیوان متذکر می‌شود که خواهان این بخش از ادعای خود را برای اولین بار در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۴ (۲۲ تیرماه ۱۳۶۳) با تسلیم تعهدادی مستند در دیوان مطرح کرد، لیکن دیوان تصور نمی‌کند که این اصلاحیه ادعا به موجب مفاد ماده ۲۰ قواعد دیوان "غیر مجاز" باشد، زیرا با سوجه به فقدان هرگونه ادعائی در این باره، بنظر نمی‌رسد که اصلاحیه مذکور موجب تضییع حق خوانده شده باشد.

۴۷ - خوانده هر نوع تعهدی را در قبال پرداخت این صورتحسابها انکار کرده، اظهار می‌دارد که قرارداد پس از انتقام، نمی‌تواند مستندی برای پرداخت، محسوب شود. خوانده راجع به اصل اجرتالمثل اظهار می‌دارد که نه ویدرخواست کمکی کرده و نه اینکه از خواهان کمکی دریافت کرده است و بهر تقدیر اگر هم کمکی انجام شده باشد نفعی از آن بابت، عاید خوانده نشده است.

۴۸ - دیوان به این نتیجه رسیده است که هزینه‌های مربوط به صورتحساب شماره ۸۳ - ۴ - PTT- MAC براساس یک تعهد قراردادی انجام گرفته و طبق ماده ۳(الف) (۵) موافقتنا ممالحاقی شماره ۱، این هزینه‌ها به دلار قابل پرداخت است. درنتیجه، دیوان این صورتحساب را به همان مبلغ ۴۰,۴۴۹ دلاری که مطالبه شده، قابل پرداخت می‌داند.

۴۹ - در رابطه با چهار صورتحساب دیگر، دیوان با خوانده موافق است که هیچ مبنای قراردادی که تعهدی جهت پرداخت هر کدام از این صورتحسابها ایجاد کند، وجود ندارد. بعلاوه، در رابطه با اصل اجرتالمثل، دیوان برای این نظر است که با سوجه به کیفیت ایرادات خوانده و فقدان ادله معارض، اصل فوق نمی‌تواند مبنای جهت پرداخت مبالغ این صورتحسابها بدست دهد. درنتیجه، دیوان این قسمت از ادعا را مردود می‌شارد.

خسارات تبعی

- ۵۰ - خواهان در پاسخی که به لایحه دفاعیه خوانده در ۶ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۵ تیر ماه ۱۳۶۱) به ثبت رسانده، با بسته "زیان واردہ به سلامت مالی" "مکاللو ادعای خسارت کرده است. بعده "تصریح شد که خساراتی که" (مکاللو) عمل" با بسته نابودی خود متحمل گردید، "بیش از یک میلیون دلار برآورد شده است". خواهان اظهار می‌دارد که قصور خوانده در پرداخت بموضع طلب خواهان باعث شد که خواهان نتواند بقدرت کافی سرمایه درگردش فراهم کرده، فعالیتهای حرفه‌ای خود را بطور سودآور دنبال نماید.
- ۵۱ - خوانده اظهار می‌دارد نظریه آنکه ادعای خسارات تبعی بموضع تسلیم نشده است بنا براین می‌باشد مردود شناخته شود. خوانده می‌افزاید حتی اگر دیوان ادعای مذکور را قبل طرح تشخیص دهد، بازمی‌باشد علت نابودی "واقعی" خواهان را در جائی سوای عدم پرداخت وجوده مورد بحث جستجو کرد.
- ۵۲ - با آنکه دیوان دلائل کافی جهت غیر مسموع اعلام کردن این اصلاحیه ادعای نمی‌یابد، با این حال لازم به تذکر است که خواهان در تایید ادعای خود راجع به این موضوع مطلقاً "مدرکی ارائه نکرده است. دیوان بخصوص متذکر می‌شود که هیچ مدرکی از نظر وجود رابطه علیت میان عدم پرداخت دین و خساراتی که حسب ادعا به خواهان وارد شده، وجود ندارد. تحت این شرائط، دیوان براین نظر است که صرف عدم پرداخت دین نمی‌تواند موجب بروز خسارات تبعی مورد ادعا شده باشد. درنتیجه، این ادعا رد می‌شود.

بخش چهارم

ادعا‌های متقابل خوانده، پست و تلگراف

- ۵۳ - خوانده، پست و تلگراف چندین ادعای متقابل علیه خواهان مطرح کرده است.

۵۴ - اولاً، خوانده مدعی است که کارانحا مشده توسط خواهان به موجب قرارداد، ارجهات متعدد ناقص بوده و منجر به بروز خساراتی شده است که مبلغ آن از ده میلیون دلار کمتر نیست. خواهان همانطور که قبل "اشاره شد، اظهار می‌دارد که قرارداد را کاملاً اجرا کرده است. نظر قبلی دیوان (رجوع شود به بند ۴۳ فوق) دایر بر رد ادعای خوانده در مورد ناقص بودن کار انجام شده، عیناً این ادعای متقابل را نیز شاملاً می‌شود.

۵۵ - ثانياً، خوانده، پست و تلگراف مدعی است که دو دستگاه اتومبیل متعلق به پست و تلگراف، یعنی "اتومبیل شماره ۵۳۹۸۵" و "اتومبیل شماره ۹۴۴۷۱"، "دراختیار" و "مورد استفاده" کارمندان خواهان بوده است و این دو اتومبیل بحای آنکه به خوانده، پست و تلگراف عودت داده شوند در یکی از "خیابانهای تهران رها" شده و درنتیجه، خساراتی بالغ بر ۲۵۰،۰۰۰ ریال وارد آمده است. خوانده، پست و تلگراف به یادداشت‌های داخلی استناد می‌کند که در آنها گزارش شده که یکی از اتومبیلهای مفقود گردیده و اتومبیل دیگر صدمه دیده است. خواهان اظهار می‌دارد که در قبال اتومبیلهای متعلق به خوانده، پست و تلگراف هرگز مسئولیتی نداشته و مسئولیتی نیز قبول نکرده است. دیوان با توجه به مدارک تسلیمی نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان خسارات ادعائی را با اطمینان کافی منتبه خواهان دانست. نتیجتاً، دیوان این ادعای متقابل را وارد نمی‌داند.

۵۶ - ثالثاً "خوانده، پست و تلگراف اظهار می‌دارد که مبلغ ۱۵۵،۰۰۰ دلار بابت پیش پرداخت پاره‌ای هزینه‌ها به نحو مقرر به حساب بستانکار خوانده، پست و تلگراف منظور نگشته و بهوی باز پرداخت نشده است و لهذا، خوانده ادعای باز پرداخت این مبلغ را دارد. خواهان ضمن رد این ادعای متقابل اظهار می‌دارد که کلیه پیش پرداختها به حساب بستانکار خوانده، پست و تلگراف منظور گردیده است. دیوان به این

نتیجه رسیده که از مدارک تسلیمی چنین بر می آید که رویه خواهان این بوده که این گونه پیش پرداختها را بحساب بستانکار خوانده، پست و تلگراف منظور نماید. و با توجه به این رویه و نیز بدليل فقد هر نوع مدرکی که نشان دهد این رویه در مرور رقم مورد مطالبه اعمال نشده دیگر و ادعای متقابل خوانده، پست و تلگراف را در این زمینه رد می کند.

۵۶ - رابعا " خوانده، پست و تلگراف در لایحه دفاعیه خود و بدون اینکه بعدا " وارد این جزئیات شود، درخواست می نماید که " مدارک ، گزارشها، نقشه ها و طرح های تهیه شده بوسیله " خواهان متعلق به خوانده، پست و تلگراف است و باید به خوانده، پست و تلگراف " عودت " داده شده، یا " در اختیار " وی قرار گیرد. ظاهرا " خوانده، پست و تلگراف در ارتباط با درخواست اخیر اظهار می دارد که خواهان " وظائف خود را نسبت به نگهداری دفاتر شرکت بگوئد که مورد قبول مقامات مالیاتی ایران باشد" انجام نداده و این مسئله باعث شده است که خوانده، پست و تلگراف دچار مشکلات فراوانی با مقامات مالیاتی مربوطه گردد. خواهان این ادعاهای متقابل را نیز انکار می کند.

۵۷ - دیوان قبلا " ادعاهای مربوط به عدم اجرای قرارداد توسط خواهان را رد کرده است. با آنکه دیوان مایل است به خواهان توصیه کند که تا آنجا که امکان دارد با خوانده، پست و تلگراف همکاری کرده، مدارک مربوطه را در دسترس خوانده، پست و تلگراف قرار دهد، ولی دیوان با توجه به فقد هر نوع شرط قراردادی در این زمینه، دلیلی برای موظف ساختن خواهان به انجام این کار نمی بیند.

بخش پنجم

ادعا های مطروح علیه خوانده، شرکت نفت

سوابق امر

۵۹ - در تاریخ ۲۸ آوت ۱۹۷۷ (۶ شهریورماه ۱۳۵۶) خواهان و شرکت نفت قراردادی به شماره دی .سی - ۲۱۰ ("قرارداد شرکت نفت") امضا کردند که بمحبوب آن خواهان بعنوان مشاور در "پروژه مخابراتی هفت خط لوله" شرکت نفت مشغول بکارشد. خدمات خواهان، به احتمال جاده های حهت دسترسی به استگاه های مخابراتی مورد بحث، مربوط نشد. طرفین موافقت دارند که قرارداد شرکت نفت تا ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۲ مهرماه ۱۳۵۸) اجرا شد و در آن تاریخ خواهان طی نامه ای به شرکت نفت "تعليق" این قرارداد را تایید نمود.

صلاحیت

۶۰ - خوانده، شرکت نفت در لوایح خود پاره ای ایرادات صلاحیتی مطرح کرد ، اما در جلسه استماع اظهار داشت که این ایرادات را دیگر مطرح نمی کند.

۶۱ - همانطور که قبل اعلام گردید، دیوان به این نتیجه رسیده است که خواهان مدارک مربوط به تابعیت امریکائی و مالکیت مستمر دعاوی را بمحروم قرار در بیانیه حل و فصل دعاوی داشته و سایر شرایط بیانیه حل و فصل دعاوی را در مورد صلاحیت احراز کرده است .

ماهیت ادعا

۶۲ - خواهان تقاضا دارد که صورتحسابهای مربوط به خدمات انجام شده و مبالغ مکسوره، بعلاوه بهره و هزینه داوری به وی پرداخت گردد. مسائل مربوط به بهره، هزینه و ارز قابل پرداخت متعاقباً "در این حکم مورد رسیدگی قرار می گیرند.

صورتحسابها

- ۶۳ - خواهان اظهار می‌دارد که شش صورتحساب پرداخت نشده باقی مانده است^(۱۰) کل مبلغ مورد مطالبه برآسای این صورتحسابها، به ۱۰,۵۲۵,۵۲۹ ریال (پس از کسر سپرده قراردادی و مالیات متعلقه) بالغ می‌گردد. بعلاوه، خواهان خواستار پرداخت مبلغ ریالی به دلار به نرخ تبدیل ۲۵/۳۵ ریال به ازاء هر دلار می‌باشد که حسب ادعا، نرخ تبدیل را پنج درزمان تعليقوخاتمه قرارداد بوده است.
- ۶۴ - خوانده این ادعا را "کلا" انکار می‌نماید. خوانده مشخصاً "اظهار می‌دارد که صورتحساب شماره ۴۶ پرداخت شده، صورتحسابهای شماره ۱۴ و ۱۵ هرگز دریافت نشده‌اند و با اینکه صورتحسابهای شماره ۴۷، ۴۸ و ۴۹ "کلا" یا جزئی "تائید شده‌اند ولی بعلت تخلف جدی خواهان در اجرای قرارداد شرکت نفت، از پرداخت آنها بحق خودداری شده است. شرکت نفت همچنین مدعی است که خواهان "مفارما حساب" پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی را ارائه نکرده است.
- ۶۵ - در رابطه با صورتحساب شماره ۴۶، دیوان ملاحظه می‌نماید که خوانده مدارکی تسلیم نموده که ظاهراً می‌تواند مدرک پرداخت محسوب شود و خواهان در درد این ادعا صرفاً "تکرار کرده است که سابقه این پرداخت را در اختیار نداشت، چون بیشتر مدارک و سوابق در تهران باقی مانده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که به اغلب احتمال، این صورتحساب در واقع به خواهان پرداخت شده است.
- ۶۶ - در مورد صورتحسابهای شماره ۱۴ و ۱۵ خوانده اظهار می‌دارد که این صورتحسابها را هرگز دریافت نکرده و خواهان هنوز نسخ صورتحسابهای مورد بحث را تسلیم نکرده است. در نتیجه دیوان ادعای مربوط به این صورتحسابها را رد می‌کند.

(۱۰) صورتحسابهای شماره DC 210/15/0/04/78، DC210/14/0/04/78 و DC210/48/S/04/58، DC210/47/R/02/58، DC210/46/S/02/58 و DC210/49/S/05/58 (برای سهولت این صورتحسابها در اینجا تحت شماره‌های ۱۴، ۱۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹ ذکر می‌گردند).

۶۷ - دیوان متذکر می‌شود که خوانده اظهار داشته که صورتحسابهای شماره ۴۷، ۴۸ موردتا بیدقرار گرفته اند (صورتحساب شماره ۴۸ به مبلغ ۸۵۰، ۲۶۸ ریال است و نه مبلغ ۴۰۰، ۳۲۳ ریالی که ادعا شده). دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعای مربوط به ناقص بودن کاری که خواهان بموجب قرارداد انجام داده، نمی‌تواند بطور موققیت آمیزی بعنوان دلیل عدم پرداخت این صورتحسابها، مورد استناد قرار گیرد. نتیجتاً "دیوان صورتحسابهای شماره ۴۷ و ۴۹ جمعاً" به مبلغ ۱۸۵، ۶۶۸ ریال را به همان مبلغ مطالبه شده، و نیز صورتحساب شماره ۴۸ بمبلغ ۸۵۰، ۲۶۸ ریال را قبول می‌کند. در نتیجه، پس از وضع کسورات مقرر بهموجب قرارداد، جمعاً "مبلغ ۸۱۱، ۵۰۵ ریال به خواهان تعلق می‌گیرد.

سپرده‌های حسن انجام کار

۶۸ - خواهان اظهار می‌دارد که خوانده طبق قرارداد شرکت نفت (ماده ۱۱ - ۲ شرائط عمومی قرارداد) مبلغ ۲،۰۱۷، ۴۹۰ ریال با بت سپرده کسر کرده است. (این مبلغ شامل سپرده‌های فرضی با بت صورتحسابهای پرداخت نشده مورد مطالبه‌ای که هماکنون بحث شد نیز می‌باشد). نیمه از مبلغ سپرده‌ها در زمان "تحویل کار" و نیم دیگر در تاریخی که به احتمال زیاد دوازده ماه پس از تکمیل کار است به خواهان قابل پرداخت بوده است. نظریه آنکه خوانده، شرکت نفت دستور داد که کاراز تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۹ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، یعنی قبل از آنکه بتawan کار را رسماً "تحویل" داد، متوقف شود، موعد با زیرداخت نیمه‌اول الزا ما" در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۹ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) فرا می‌رسید و نتیجتاً "نیمه دیگر در ۲۱ مه ۱۹۸۰ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) قابل پرداخت می‌گردید.

- ۶۹ - خوانده، شرکت نفت اظهار می‌دارد که طبق شرائط قرارداد شرکت نفت، سپرده‌ها می‌باشد بعنوان وثیقه حسن انجام کار خواهان کسر می‌شود. شرکت نفت استدلال می‌کند که چون خواهان بخصوص در ارتباط با امر نظارت بر احداث حاده دسترسی به یک "ایستگاه تکرار کننده" طبق تعهدات قراردادی خود عمل نکرده است، این سپرده‌ها قابل بازپرداخت نیستند.
- ۷۰ - با توجه به ارتباط این قسمت از ادعا با ادعای متقابل شرکت نفت، این موضوع ذیلاً مورد بحث واقع خواهد شد.

بخش ششم

ادعا‌های متقابل خوانده، شرکت نفت

- ۷۱ - خوانده، شرکت نفت ادعاهای متقابلي علیه خواهان مطرح کرده، می‌گوید که خواهان با عدم اجرای تعهدات خود بمنحو کافی، فی الواقع قرارداد شرکت نفت را نقض کرده است. شرکت نفت اظهار می‌دارد که نتیجتاً "حق به عدم پرداخت بعضی از صورتحسابها بوده و حق دارد که همچنان سپرده‌های قراردادی را ضبط کند و با لآخره می‌افزاید که خواهان مکلف است کلاً" مبلغ ۲۶۹،۸۶۷،۵۵۵ ریال با بت خسارات وارد به شرکت نفت، بپردازد. بعلاوه، شرکت نفت ادعاهای متقابلي به مبلغ ۵۱۴،۶۹۶ ریال با بت حق بیمه‌اجتماعی و ۱۸۵،۸۳۷ ریال با بت مالیات معوقه ادعای مطرح می‌کند.

- ۷۲ - خواهان کلیه ادعاهای متقابلي مطروح را انکار می‌کند. در رابطه با ادعای نقض قرارداد، خواهان اظهار می‌دارد که کلیه تعهدات خود را طبق قرارداد با شرکت نفت انجام داده است و در رابطه با ادعاهای متقابلي مربوط به حق بیمه‌اجتماعی و مالیات، خواهان ضمن طرح پاره‌ای ایرادات صلاحیتی، هر نوع بندی معوقه را از این بت انکار می‌کند.

نقض قرارداد

۷۳ - طرفین بطور کلی در مورد پیشینه دعوا با یکدیگر توافق دارند. خواهان قراربود که به عنوان مشاور شرکت نفت، در رابطه با کارهایی از جمله احداث جاده‌ای در کناره کوهی که عموماً "بعنوان" "کوه‌گلی" بدان اشاره شده و به سوی یک ایستگاه تکرارکننده، مخابراتی یعنی ایستگاه شماره ۵ منتهی می‌شود ("جاده") خدماتی را عهده‌دار گردد. احداث این جاده در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۷ مهرماه ۱۳۵۸) که روابط قراردادی طرفین خاتمه یافت، به پایان نرسیده بود و بخشی از این جاده مدتی بعد از خاتمه قرارداد، خراب شد و شرکت نفت بمنتظور استفاده از جاده، احداث مجدد و ترمیم آنرا با هزینه خود عهده‌دار شد. (این هزینه‌ها ادعای خسارت شرکت نفت را تشکیل می‌دهد). طبق ماده ۶-۱-۶ از بخش دوم قرارداد شرکت نفت، خواهان موافقت کرد که خدمات زیر را انجام دهد:

مسئول بررسی و اظهارنظر (بحای کلمه "تا بید")
در مورد کلیه نقشه‌ها، مشخصات و طرح‌ها ی تسلیمی پیمانکار،
مواردی که مشخصاً "والبته منحصراً" ، باید مورد بررسی و تأیید قرار گیرند، عبارتند از :

الف) نقشه‌ها و طرح فونداسیون برج پاسیو Passive شامل بررسی و تایید اطلاعات مربوط به بررسی خاک.

ب) نیازهای پیمانکار از جهت برق، فضا وغیره در تاء سیاست موجود.

ج) طرح و نقشه‌جاده (جهت دسترسی به مرکز تکرار کننده).

د) شرایط تهیه محل کارگاه و تحصیل حق عبور جهت کشیدن جاده

ه) طرحهای فرکاس (پیاز هم‌هنگی با وزارت پست و تلگراف و تلفن).

و) کلیه نقشه‌ها منحمله نقشه‌های احرائی

ز) برنامه آزمایش کارخانه و محوطه Path performance

ح) محاسبات مربوط به

- ط) طراحی کلیه سیستمها فرعی پروره
 ی) نقشه ها و طرح های پیمانکار جهت ترمیم و نوسازی
 برجها و فوندا سیونهای موجود .
 ک) روشها ، طرحها و نقشه های نصب
 ل) سایر اطلاعات و نقشه های مورد لزوم
 (خط تاء کید اضافه شده است)
- ۷۴- اختلاف طرفین بر سراینست که کدام طرف مسئول خسارات وارد می باشد . شرکت نفت اظهار می دارد که چون خواهان در انجام وظایف خود به عنوان مشاور مسامحه کرده و آن وظایف را به صورت ناقص انجام داده ، بنابراین خواهان مسئول می باشد . شرکت نفت با تسلیم مدارک مفصل در تائید نظر خود ، مشخصا " اظهار می دارد که محل انتخاب شده برای احداث جاده نا مناسب بوده و طرح فنی ، بخصوص در رابطه با سیستم آبروها و شرایط نگهداری جاده ای که در چنین محلی احداث می شد ، ناقص بوده است .
- ۷۵- خواهان مدعی است که مسئول خسارتی که شرکت نفت مطالبه می کند نمی باشد زیرا طبق قرارداد ، وی به عنوان مشاور و روظیفه محدودی برای " تبررسی و اظهار نظر درباره " مشخصات و طرح های تسلیمی مربوط به این جاده داشته است . بعلاوه ، چون کلمه " تأیید " از متن قرارداد شرکت نفت ، حذف و بجای آن کلمه " اظهار نظر " نوشته شده است ، بنابراین شرکت نفت اختیار نهائی برای تأیید نقشه ها ، مشخصات و طرح های تسلیمی پیمانکار را برای خود حفظ نمود . خواهان اظهار می دارد نظریه آنکه محل جاده قبل از اجرای قرارداد شرکت نفت بوسیله خود شرکت نفت انتخاب شده بود ، بنابراین خواهان در واقع از محل جاده بازرسی بعمل نیاورد . و بالاخره اینکه خواهان اظهار می دارد که طرح فنی برای احداث و نگهداری جاده مناسب بوده و خسارات وارد مطلع عدم مراقبت کافی در نگهداری جاده بوده است .
- ۷۶- دیوان با بررسی مدارک تسلیمی به این نتیجه رسیده است که
 یا در انتخاب محل جاده یا در رابطه با طرح فنی ساختمان و طرح نگاهداری

جاده یا در رابطه با نگاهداری جاده، اشتباها تی رخ داده است.

- ۷۷- در مورد انتخاب محل جاده، دیوان با تفسیر مضيقی که خواهان از قرارداد شرکت نفت ارائه می‌دهد، موافق نیست. بنظر دیوان، شرط "بررسی و اظهار نظر" مندرج در قرارداد، نمی‌تواند آنچنان به صورت محدود تفسیر گردد که خواهان را از تعهدات حرفه‌ای خویش که به عنوان مشاور، به موجب قرارداد شرکت نفت به عهده گرفته بود مبri سازد. خواهان به عنوان مشاور دارای تعهداتی بود و این تعهدات حداقل شامل این وظیفه نیز می‌گردید که شرکت نفت را در مورد مناسب بودن محل انتخابی جهت احداث جاده، را هنمایی نماید.
- ۷۸- دیوان برای این نظر است که مشاور مختار است نحوه اجرای وظایف مشاورتی خود، از قبیل "بررسی و اظهار رنظر درباره" انتخاب محل را، رأساً "تعیین نماید. اما خواهان نمی‌تواند هنگامیکه متهم به مسامحه در اجرای وظایف خود می‌گردد، در مقام دفاع، به قصور خویش در بازرسی محل، یا به این واقعیت که محل را خواهان انتخاب نکرده است، استناد نماید. رویه‌ای که خواهان برای انجام وظایف خود اتخاذ ذکرده، از میزان مسئولیت وی نمی‌کارد.
- ۷۹- بعلاوه، بنظر دیوان این واقعیت که کلمه "تأیید" از متن قرارداد شرکت نفت حذف شده، خواهان را از مسئولیت‌های خود مبri نمی‌سازد. حذف کلمه "تأیید" صراحتاً می‌بین آنست که اگر شرکت نفت برخلاف توصیه و نظرات خواهان عمل کرده بود، خواهان از مسئولیت خویش مبri می‌گردید. در این مورد، دیوان این نکته را تعیین کننده می‌داند که خواهان در هیچ مرحله‌ای حتی ادعای نکرده که کوچکترین تردیدی در مورد انتخاب محل جاده مورد بحث به شرکت نفت ابراز کرده باشد.
- ۸۰- در مورد طرح فنی و بخصوص در رابطه با سیستم آبروها و شرایط نگهداری جاده، دیوان برای این نظر است که تردیدی نیست که شرائط خاک در محلی که برای احداث جاده انتخاب شده بود، به گونه‌ای بوده که اتخاذ پاره‌ای تدبیر ویژه احتیاطی را ایجاب می‌کرده است. در این رابطه، دیوان این نکته را

بخوص واجد اهمیت می داند که خواهان ادعای کرده و مدارک تسلیمی نیز مبین آن نیست که در طرح فنی جاده چنین تدبیر ویژه احتیاطی رعایت گشته یا حتی خواهان چنین تدبیری را پیشنهاد کرده باشد.

-۸۱ دیوان براساس آنچه گذشت به این نتیجه میرسد که خواهان وظائف خود را به عنوان مشاور آنطور که درقرارداد شرکت نفت مقرر شده، بطور کافی انجام نداده است.

-۸۲ دیوان سپس می بایست این مطلب را بررسی کند که آیا خسارات واردہ معمول عیب و نقص در کارخواهان بوده است یا خیر. دیوان در این رابطه متذکر می شود که به علت اینکه قرارداد را در تاریخ ۱۹۷۹ (۲۷ مهرماه ۱۳۵۸)، یعنی زودتر از موعد، خاتمه یافت، خواهان در موقعیتی نبوده که بتواند وظائف خود را به انجام رساند و در آن زمان، کار احداث جاده به پایان نرسیده بوده است. بعلاوه، دیوان براساس مدارک تسلیمی به این نتیجه میرسد که نمی توان سایر عوامل ما نبنا مکان عدم مراقبت کافی از سیستم آبروهای موجود را که خود به تغییر جاده کمک کرده باشد، نادیده گرفت. در نتیجه دیوان نمی تواند با ضریب اطمینان معقولی مشخص سازد که آیا عیب و نقص در کارخواهان تنها علت تعیین کننده در مورد خسارات واردہ بر جاده بوده، یا تا چه حدی این عیب و نقص به بروز این خسارات کمک کرده است. نتیجتاً "دیوان خساراتی را که شرکت نفت با بت احداث مجدد جاده و ترمیم آن مطالبه کرده و خواهان را از آن با بت مسئول قرار داده، رد می کند.

-۸۳ با اینحال دیوان برای نظر است که نمی توان خواهان را از مسئولیت کاری که بطور کافی انجام نداده، مبری کرد. در برآورد خسارات لازم است تا شرکت نفت در این زمینه، دیوان متذکر می شود که شرکت نفت طبق ماده ۱۱-۴ اقرارداد شرکت نفت بخشی از وجه صورتحسابهای پرداختی به خواهان را ضبط کرده است. با آنکه این قید مندرج در قرارداد شرکت نفت به موجب شرائط خود

به شرکت نفت حق نمی‌دهد که چنین سپرده‌های را در صورت کافی‌نبودن کار انجام شده، نگهادارد، با اینحال دیوان معتقد است که در این پرونده خسارات واردہ به شرکت نفت با ادامه حفظ مبالغ مکسوره قابل جبران است.

۸۴ - و بالآخره اینکه، خوانده بعنوان مبنای دیگری جهت عدم پرداخت صورتحسابها که دیوان آنها را تاء دیه نشده و قابل پرداخت تشخیص داده، (رجوع شود به بندهای ۶۳ تا ۶۷) به ناقص بودن کار انجام شده توسط خواهان استناد کرده است. دیوان متذکر می‌شود که ناقص بودن کار خواهان که وی با بت آن مسؤول واقع شده، مشخصاً "به خدمات مربوط به تعیین محل و طراحی فنی جاده ارتباط پیدا می‌کند. هیچ‌کدام از طرفین ادعا نکرده و مدارک تسلیمی نیز حاوی مطلبی نیست که دیوان را متقاعد سازد که صورتحسابها مورد بحث با بت چنین خدماتی بوده است. در نتیجه دیوان نیز استناد به چنین دلیلی را با بت عدم پرداخت صورتحسابها مردود شناخته و تاء‌بیه می‌کند که صورتحسابها مورد بحث قابل پرداخت هستند.

مالیات و حق بیمه اجتماعی

۸۵ - خوانده، شرکت نفت دعاوی متقابله با بت "دیون مالیاتی" و "بدھی به سازمان تاء مین اجتماعی" مطرح کرده است. شرکت نفت بت مالیات‌ها مبلغ ۸۴۵،۰۷۵،۱۶۳ ریال مطالبه کرده و ادعائی نیز جهت "خسارت مربوط به عدم پرداخت" که مبلغ آنرا مشخص نکرده، به آن اضافه می‌کند. شرکت نفت در مورد حق بیمه ادعائی متعلقه به سازمان تاء مین اجتماعی خواستار مبلغ ۵۱۴،۶۹۶،۱۷ ریال است و مبلغ ۴،۹۲۷ ریال نیز با بت خسارت "تاء خیر تاء دیه" برای هریک روز از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۲ (اول فروردین ماه ۱۳۶۱) اضافه می‌نماید.

۸۶ - خواهان این دعاوی متقابله را "کلا" انکار مینماید. خواهان علاوه بر ایرادات صلاحیتی در مورد این دعاوی متقابله، اظهار مینماید که کلیه

مالیاتها و حق بیمه‌های اجتماعی را که خواهان متعهد به پرداخت آن
بوده، در واقع پرداخت‌کرده است

۸۲ - دیوان متذکر می‌شود که دعاوی متقابل خوانده مตکی به هیچ نوع مدرکی
نبوده، حتی مشخصات مربوط به مبنای محاسبه مبالغ مورد بحث ارائه
نشده است. در نتیجه، دعاوی متقابل مطروح صرفاً "متکی به اظهاراتی
است که خوانده بنحوی بسیار موحذ و مختصر، مطرح نموده است. براین
اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که خوانده نتوانسته است دعاوی متقابل
مربوط به مالیات و حق بیمه‌های اجتماعی را به اثبات برساند و نتیجتاً
دیوان نیز احباری ندارد که مسائل صلاحیتی را مورد بررسی قرار دهد.

هفتم

بهره

۸۸ - خواهان با بت ادعاهای مطروح علیه خوانده، پست و تلگراف راجع به
صورتحسابها، بهره ساده به نرخ ۱۲ درصد در سال تا فوریه ۱۹۷۹ واژ آن
بعد، بهره مرکب به نرخ ۱۵ درصد در سال نسبت به مبلغ بدھی، و با بت
ادعا‌های مطروح علیه شرکت نفت بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال
مطالبه می‌کند.

۸۹ - خوانده اصولاً "به پرداخت هرگونه بهره‌ای اعتراض داشته، استدلال می‌کند
که طبق شرایط انتخاب قانون مندرج در قراردادها، قانون ایران بر
قرارداد حاكم است و طبق قانون ایران، نسبت به بدھی مورد اختلاف در
این دعوى، بهره قابل پرداخت نیست.

۹۰ - صدور حکم پرداخت بهره، نظیر سایر احکام مادره توسط دیوان باید بر
مبنای احترام به قانون صورت گیرد و دراین مورد نیز، مثل هر مورد دیگر،
قانون حاکم باید توسط دیوان طبق موازین مندرج در ماده پنج
بیانیه حل وفصل دعاوی تعیین شود.

۹۱ - در تعیین قانون حاکم در این زمینه، دیوان باید به رویه‌ای استناد کند که نهادهای قضایی ذیربطر از آن متابعت می‌کنند. لکن، تعیین قانون حاکم، به دلیل ابهامات و تناقضاتی که چه در نظام‌های حقوقی مختلف داخلی و چه در حقوق بین‌الملل و نیز در عرف‌تجاری می‌توان مشاهده کرد، کار دشواری است.

۹۲ - در اکثر نظام‌های حقوقی، اگر نه در کلیه آنها، هنگامی که به عنوان جزئی از غرامت‌زیان متحمله ناشی از نقض قرارداد، حکم به پرداخت بهره داده می‌شود، نرخهای بهره مربوط، بر مبنای نرخهای قانونی تعیین می‌گردد، مگر آنکه اوضاع و احوال ویژه‌ای وجود داشته باشد. لکن نرخهایی که بدین ترتیب تعیین می‌شود، در نظام‌های حقوقی مختلف بسیار با یکدیگر متفاوت است. همین تفاوت، در تعیین تاریخ محاسبه بهره اعطائی نیز مشاهده می‌گردد. تاریخ مزبور، بسته به نظام حقوقی مورد بحث و اوضاع و احوال، می‌تواندیا تاریخ وقوع خسارت، یا تاریخ اخطاریه رسمی پرداخت، یا تاریخ حکم دادگاه و یا حتی تاریخ دیگری باشد. این تفاوت و تنوع، به ویژه با این واقعیت به خوبی روش می‌شود که از زمان انقلاب اسلامی، قانون ایران نظیر قانون سایر کشورها بی‌که اصول اسلامی را رعایت می‌کنند، پرداخت هرگونه بهره‌ای را منع کرده، در حالیکه در نظام حقوقی آمریکا، معمولاً "حکم به پرداخت بهره داده می‌شود، واگرچه نرخها بسته به قانون حاکم تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند، باین‌حال به نظر می‌رسد که روند موجود درجهت اعمال نرخهای مشابه نرخهای بهره‌تجاری است.

۹۳ - تفاوت و تنوع رویه معمول در دیوانهای بین‌المللی در این زمینه احتمالاً به مرتب بیشتر است. احکام (دواوی) بین‌المللی که در آنها بهره‌منظور نشده و یا نرخهای بسیار نازلی در آن تعیین شده تا حدودی قدیمی بوده و یا مربوط به اختلافات غیرتجاری فیما بین دولتهاست. به همین دلایل، ارزش استنادی آنها محدود است. به هر صورت، شایان توجه است که هیچ

قاعده کلی نمیتوان از آنها استخراج کرد. رای صادره توسط دیوان دایمی بین المللی دادگستری در پرونده ویمبLEDون Wimbledon Case (۱۱) که غالباً "بدان استناد میشود ضمن آن، با توجه به شرایط موجود در آن وقت در مورد وامهای دولتی، فقط از تاریخ حکم، به نرخ "عادله"، عدالت حکم به پرداخت بهره داده شده، مدعی وضع چنین قاعده کلی نیست.

رجوع به رویه معمول در سالهای خیر، در دعاوی بین دولتها (یا سازمانها و موسسات دولتی مربوطه) و شرکتهای خارجی که طرفین داوری فراکشوری (transnational arbitration) مستقیماً "دغوى" را به دیوانهای بین المللی ارجاع کرده‌اند، یا دعوى از طریق حمایت دیپلماتیک به داوری ارجاع شده، نرخ بهره‌های اعطائی بسیار متفاوت و متنوع بوده است. چند نمونه از مشهورترین احکام نشان می‌دهد که بهره‌های اعطائی نرخ‌هایی بین ۵٪ (۱۲) تا ۶٪ (۱۳) یا ۷٪ (۱۴) تا ۱۴٪ (۱۵) یا ۱۰٪ (۱۶) تا ۱۲٪ (۱۷) داشته‌اند.

P.C.I.J., Ser.A, No. 1, at 32 (1923) (۱۱)
Libyan American Oil Co. (LIAMCO) v. The Government of the Libyan Arab Republic, 20 Int'l Legal Mat'l's 82-83 (1981); Amco Asia Corp. v. Indonesia, 24 Int'l Legal Mat'l's 1038 (1985); Revere Copper and Brass, Inc. v. Overseas Private Investment Company, 17 Int'l Legal Mat'l's 1367 (1978); S.P.P. and others V.A.R.E. and Egyptian General Company for Tourism and Hotels, 22 Int'l Legal Mat'l's 783 (1983).

Stellar chartering & Brokerage, Inc. Time-chartered owners of the M/V Continental Trader (USA) v. Rijn, Maas en Zee Scheepvaartkantoor, Charterers (Netherlands), VII Y.B. Commercial Arbitration 147 (1982). (۱۲)

American Independent Oil Co. (Aminoil) v. Kuwait, 21 Int'l Legal Mat'l's 1042 (1982). (۱۳)

Mechema Ltd. (England) v. S.A. Mines, Minérais et Métaux (Belgium), VII Y.B. Commercial Arbitration 80 (1982); Société GTM v. East Pakistan Industrial Development Corporation, V Y.B. Commercial Arbitration 179 (1980).

Norwegian Agent v. Belgian Shipowner, VIII Y.B. Commercial Arbitration 94 (1983). (۱۴)

Ltd. Benvenuti et Bonfant slr v. The Government of the people's Republic of the Congo, 21 Int'l Legal Mat'l's 762 (1982); Saudi Arabian Hotel Company v. Insurance Company of a European Country, X Y.B. Commercial Arbitration 41 (1985); A.B Götaverken v. General Maritime Transport Company (GMTC), as Legal successor of Libyan General Maritime Transport Organization (GMTO) (Libyan), VI Y.B. Commercial Arbitration 139 (1981). (۱۵)

Stellar Chartering & Brokerage. (۱۶)

۹۵ - همین تنوع، در رابطه با تاریخ محاسبه بهره نیز به‌چشم می‌خورد. در برخی دعاوی، تاریخ شروع بهره از تاریخی تعیین شده که محاکوم به لازم‌النادیه بوده و یا حداقل اینکه رابطه مستقیمی با تاریخ ورود خسارتم داشته است.^(۱۹) در پرونده‌های دیگر، تاریخ حکم یا تاریخ ابلاغ آن^(۲۰) و یا تاریخ معینی بعد از صدور حکم^(۲۱)، بعنوان تاریخ شروع بهره تعیین گردیده و در محدودی احکام به قانونی استناد گردیده که قانون حاکم بر قرارداد موضوع دعوی شناخته شده است.^(۲۲) در پرونده‌های دیگر، به نظم حقوقی خاصی استناد شده و (تعیین تاریخ محاسبه بهره) صراحتاً "به صلاحیت دا و رواگذار شده است".^(۲۳)

۹۶ - در اکثر احکام، بهره ساده محاسبه شده، لکن گهگاه حکم به پرداخت بهره مرکب نیز داده شده^(۲۴) و بعضی اوقات با توجه به نرخ تورم، درصدی هم به نرخ بهره اضافه شده است.^(۲۵).

۹۷ - از رویه‌های اینچنین متنوع، مشکل بتوان به نتایجی مشخص دست یافتن. معدلک، دیوان می‌تواند نتیجه بگیرد که برخلاف قواعد کاملاً تکامل یافته مربوط به تعیین ضابطه غرامت با بت خسارات ناشی از نقض قرارداد، که معمولاً "قاعده پرداخت غرامت کامل اعمال می‌شود، از رویه معمول درداوری "فراکشوری" هیچ مقررات متحده‌شکلی در مورد بهره، پدیدار نشده و هیچ قاعده مشابهی راجع به نرخ بهره یا تاریخ محاسبه بهره ایجاد نگردیده است. استفاده مکرراً زواژه "عادلانه" برای تعیین میزان نرخ مورد انتخاب، یا اشارات مکرری که بهمان اندازه، به عبارت "صلاحیت داور"، شده، مبین این مطلب است. معهذا، نبود یک قاعده یکنواخت، به این معنی نیست که اصول کلی وجود ندارد. بالعکس، می‌توان از رویه معمول درداوری بین‌المللی که مختصراً "در بازار شرح داده شد، دو اصل پاره‌نمود استنباط کرد که از نظر مفهوم، کلی بوده ولی اعمال آن مستلزم دقت و ظرافت است.

Agip Co. v. The Government of the People's Republic of the Congo, 21 Int'l Legal Mat'ls 738-739 (1982); Benvenuti et Bonfant; Stellar Chartering and Brokerage.^(۱۹)

LIAMCO; A.B. Göta verken.^(۲۰)

Revere Copper and Brass; Mechema.^(۲۱)

Amco Asia Corp.; S.P.P. and others; LIAMCO; Saudi Arabian Hotel.^(۲۲)

LIAMCO; Revere Copper and Brass.^(۲۳)

Aminoil.^(۲۴)

Aminoil.^(۲۵)

۹۸ - اولین اصل اینست که در اوضاع و احوال عادی و بهویژه در دعا وی تجاری، برای جراین خساره محاکومله باشد تاء خیر تادیه، نسبت به مبلغ محاکوم به بهره تعلق می‌گیرد، لکن این تا خیر بسته به تاریخی که به عنوان تاریخ ایجاد تعهد پرداخت تعیین می‌شود، تفاوت می‌کند. تاریخ ایجاد تعهد می‌تواند تاریخ ورود خساره اصلی یا تصفیه دین یا تاریخ اخطاریه رسمی پرداخت یا تاریخ شروع داوری یا دادرسی، تاریخ رای داوریا حکم قضا یی مربوط به تعیین مبلغ بدھی و بالآخره، تاریخی باشد که تصمیم قضا یی یا داوری منطقاً "می‌باشد" اجرا شده باشد.

۹۹ - دومین اصل اینست که نرخ بهره باید با درنظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال مربوط، معقول باشد و دیوان نیز حق دارد به موجب اختیاری که در این زمینه به وی تفویض گردیده، جنبین اوضاع و احوالی را مد نظر قرار دهد.

۱۰۰ - اوضاع و احوالی که در تعیین نرخ "معقول" یا "عادلانه" باشد درنظر گرفته شود تا در عین حال که غرامت مناسبی به محاکومله پرداخت می‌گردد، محاکوم علیه نیز مورد تحمیل واقع نشود، متعدد و در واقع برونو از شمار است، با توجه به تعدد و پیچیدگی این اوضاع و احوال و لزوم قابل شدن وزن و اعتبار نسبی الزم برای هر یک، دیوانهای بین المللی یا فراکشوری معمولاً "از نام بردن آنها در هر مورد خودداری می‌ورزند و دلیل این امر هم احتمالاً" اجتناب از توضیحات عربیض و طویل است . با اینحال، بر مبنای رهنمودهای معهودی که رویه معمول (در این دیوانهای داوری) بdst می‌دهد، می‌توان اوضاع و احوال زیر را بر شمرد: (یک) هرگونه شرط ذیربسط قراردادی (که در صورت وجود، معمولاً" در تعیین نرخ بهره، اعمال می‌شود)، (دو) مقررات و اصول قانون حاکم بر قرارداد، (سه) ماهیت واقعیات موجود خساره، (چهار) ماهیت یا میزان غرامت مورد حکم، به ویژه اگر شامل عدم النفع یا سود هزینه‌های قابل استرداد نیز باشد، (پنج) علم و اطلاعی که طرف مختلف می‌توانسته از

- عواقب مالی تخلف خود برای طرف دیگر داشته باشد، (شش) نرخهای رایج در بازارهای مربوط، و (هفت) نرخهای تورم، و غیره.
- ۱۰۱- این دو اصل، که از رویه (معمول در داوری) بین المللی استخراج شده، جزو اصول حقوق تجاری و حقوق بین الملل، در مفهوم ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی به شماره می‌روند. اصول مذبور، با توجه به ماهیت دیوانهای بین المللی که آنها را اعمال می‌کنند، و دعاوی مطروحه، نوعی عرف عمومی تجاری محسوب شده و به ویژه در رابطه با این دیوان، اهمیت و مناسبت می‌باشد.
- ۱۰۲- معهذا، دیوان باید در اعمال این اصول، ویژگیهای خود را نیز مدنظر قرار دهد. بدون شک، مهمترین این ویژگیها این واقعیت است که این دیوان داوری، برخلاف دیوانهای داوری فراکشوری که به موجب یک شرط قراردادی جهت حل و فصل اختلافات تجاری تشکیل می‌شوند، بواسطه یک معاهده بین المللی تأسیس یافته و صلاحیت خود را که در واقع تعداد کثیری پرونده را شامل می‌شود، از آن معاهده کسب می‌کند. بالنتیجه، همانطور که در بالا ملاحظه شد، قانون مورد عمل باید توسط دیوان طبق شرایط ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی تعیین شود. بعلاوه، با توجه به سازمان فعلی دیوان، فاصله زمانی بین اولین دادخواست و بالآخر حکم نهايی، ممکن است طولانی و در بسیاری موارد، از تاخیرهای معمول در داوریهای بین المللی یا در درسیهای داخلی بیشتر باشد. بالعكس، اجرای احکام صادره به نفع اتباع ایالات متحده که از ضمانت اجرای کامل ناشی از حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۲ بیانیه عموم برخوردارند، نیاز به هیچگونه انتظار یا تشریفاتی ندارد.
- ۱۰۳- اصول مشرووحه فوق فی الواقع تا حال توسط دیوان اعمال شده و دیوان "نرخ معتدلی را تحت عنوان نرخ "عادلنه" یا "معقول" تعیین نموده و در بعضی پروندها در تایید آن نرخ، صراحتاً "به اختیار" صلاحدیددا و راستنا دکرده است. (۲۶) در اعمال این اختیار که مذور

(۲۶) مقایسه شود با: شرینگ کورپوریشن و ایران حکم شماره ۱۲۲-۳۸-۳ صفحه ۱۲۵

(انگلیسی) (۱۶ آوریل ۱۹۸۴ ۲۲/ فروردین ماه ۱۳۶۳)

reprinted in 5 Iran - U.S. C.T.R. 361, 367;

*** دنباله زیرنویس شماره ۲۶ در صفحه بعد ***

شنا اسائی حقوق بین الملل است، همانطور که در حکم صادره در پرونده سیلوانیا ملاحظه شد، شب‌این دیوان همواره به نتایج یکسانی ترسیده‌اند^(۲۷). تا آنجا که تنوع و تفاوت نرخهای مورد عمل توسط شب، قابل انتساب به اوضاع و احوال متفاوت هرپرونده نباشد،

*** دنباله زیرنویس ۲۶ از صفحه قبل ***

تی سی اس بی اینک و ایران حکم شماره ۱۴۰-۲ ۱۱۴ ص ۱۶ (انگلیسی)
(۱۶ مارس ۱۹۸۴ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۲) reprinted in 5 Iran- U.S. C.T.R. 160, 169;

امریکن اینترنشنال گروپ اینک و ایران، حکم شماره ۹۳-۲-۳ ص ۲۲ (انگلیسی)
(۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲) reprinted in 4 Iran - U.S. C.T.R. 96, 110;

وودوارد کلاید کانسالتنتس وایران، حکم شماره ۷۳-۶۷-۳ ص ۱۹ (انگلیسی)
(۲ سپتامبر ۱۹۸۳ ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲) reprinted in 3 Iran- U.S. C.T.R. 239; 251;

جان کارل وارنکه اند اسوشیتس و بانک ملت، حکم شماره ۷۲-۱۲۴-۳ ص ۲۲ (انگلیسی)
(۲ سپتامبر ۱۹۸۳ / ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲) reprinted in 3 Iran- U.S. C.T.R. 256, 267;

چاستی . مین اینترنشنال اینک و مهندسین مشاور مهاب، حکم شماره ۷۵-۱۸۵-۳ ص ۱۰ (انگلیسی) (۲ سپتامبر ۱۹۸۳ ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲) reprinted in 3 Iran- U.S. C.T.R. 270, 275;

ابنترنند اینترنشنال اینک و نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، حکم شماره ۵۹-۲۲۰-۲ ص ۱۳ (انگلیسی) (۲۲ ژوئیه ۱۹۸۳ / ۵ مردادماه ۱۳۶۲) reprinted in 3 Iran- U.S. C.T.R. 110, 117;

پامروی کوربوريشن و ایران، حکم شماره ۵۱-۴۱-۳ ص ۱۸ (انگلیسی)
(۸ ژوئن ۱۹۸۳ / ۱۸ خردادماه ۱۳۶۲) reprinted in 2 Iran - U.S. C.T.R. 372, 385;

کیمبرلی کلزک کامپنی و ایران، حکم شماره ۴۶-۵۷-۲ ص ۱۶ (انگلیسی)
(۲۵ مه ۱۹۸۳ / ۴ خردادماه ۱۳۶۲) reprinted in 2 Iran- U.S. C.T.R. 334, 342;

گرانایت استیت ماشین کامپنی و ایران، حکم شماره ۱۸-۳۰-۳ ص ۹ (انگلیسی)
(۱۵ دسامبر ۱۹۸۲ / ۲۴ آذرماه ۱۳۶۱) reprinted in 1 Iran- U.S. C.T.R. 442, 447.

(۲۷) سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینک . و ایران، حکم شماره ۶۴-۱ - ۱۸۰ ص ۳ (انگلیسی) (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴) reprinted in 2 Iran- U.S. C.T.R. 442, 447.

قطعاً " شایسته است که در این زمینه، یکنواختی و ثبات رویه بیشتری ایجاد شود. از سوی دیگر، تنوع دعاوی ارجاع شده به دیوان، اعمال یک نرخ بهره ثابت و لایتغیر در کلیه پروندها را دشوار می‌سازد. به همین دلیل، بهتر است تاریخ شروع محاسبه بهره، مورد به مورد و با در نظر گرفتن کلیه عوامل ذیربسط، تعیین گردد.

۱۰۴ - در مورد نرخ بهره‌ای که باید در پرونده حاضر تعیین شود، دیوان بدوان خاطرنشان می‌سازد که خواهان هیچ دلیل مشخصی برای نرخ بهره با ایتری که از خواسته، پست و تلگراف مطالبه می‌کند، ارائه نداده است. دیوان، مضافاً " این مطلب را مدنظر قرار داده که موضوع مورداً خلاف در پرونده حاضر، قراردادهاشی است که ما هیتا " تجارتی بوده و قانون ایران حاکم بر آنهاست و فاقد هرگونه شرطی راجع به نرخهای بهره قابل اعمال در موارد تاخیر تا دیه است و نقض قراردادهای مورد بحث عمدها " در رابطه با عدم پرداخت صورتحسابها می‌باشد. بنابراین مراقب پیش‌گفته، دیوان داوری نرخ بهره عادلانه مورد حکم در مورد کلیه مبالغ متعلقه و قابل پرداخت به خواهان را، دهد و درصد درسا، تعیین می‌کند. در مورد قرارداد، فيما بین پست و تلگراف و خواهان، بهره از تاریخ انقضای قرارداد، یعنی از ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) نسبت به کلیه مبالغ متعلقه محاسبه خواهد شد، غیر از مبلغ ۴۰،۴۹۹ دلار که به موجب صورتحساب شماره ۴۸۳ پی‌تی - آم آسی، لازم التاکید است. بهره صورتحساب اخیرالذکر از تاریخ تسلیم آن، یعنی از ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۴ (۲۷ تیرماه ۱۳۶۳) محاسبه می‌شود. در رابطه با قرارداد شرکت نفت، بهره از تاریخ تعلیق قرارداد شرکت نفت، یعنی از ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۹ مهر ماه ۱۳۵۸) محاسبه خواهد شد.

هشت

ارز مورد پرداخت

۱۰۵ - در پرونده حاضر کلیه مبالغ مورد ادعا، به دلار آمریکا ذکر شده‌اند. در موادی که در قراردادها قید شده که پرداخت باید به ریال ایران صورت گیرد، خواهان تقاضا کرده است که این قبیل مبالغ به نرخ ۲۵/۳۵ ریال به ازاء هر دلار، به دلار آمریکا تبدیل گردند. بنابرآظهار خواهان، نرخ تبدیل مذکور نرخ مناسبی است، زیرا که نرخ رایج در هنگام تعليق قرارداد شرکت نفت و ختم قرارداد پست و تلگراف بوده است.

۱۰۶ - خواندگان، هم به ادعای تسعیر مبالغی که طبق قرارداد به ریال قابل پرداخت بوده، به دلار آمریکا، و هم به نرخ تسعیر مورد عمل، اعتراض داشته، استدلال می‌کنند که شرایط مربوط به نوع ارز قابل پرداخت، یک تعهد قراردادی محسوب می‌گردد که ساید بدان عمل شود.

۱۰۷ - دیوان داوری "بدوا" خاطرنشان می‌سازد که رویه دیوانهای داوری بین المللی در اوضاع واحوال مشابه اینست که در احکام صادره "عمولاً" پیش‌بینی می‌شود که محکوم به ارز قابل تسعیر، پرداخت شود. در مورد این دیوان داوری، اینکه پرداخت نهایتاً "به چه ارزی باید صورت گیرد در اختیار دیوان نیست. طبق بیانیه‌های لجزایر، شرایط افتتاح حساب تضمینی که وجود آن فقط به دلار آمریکاست، این اثر را دارد که احکام صادره دیوان که باید از محل حساب یاد شده پرداخت شود فقط به دلار آمریکا قابل تاء می‌هستند.

۱۰۸ - با اینحال، دیوان معتقد است آنچه بیشتر محل تردید است این نتیجه گیری است که تعهدات احراز شده در احکام صادره که با پرداخت از محل حساب تضمینی باید ایفاء شوند، لزوماً "بایستی به دلار آمریکا ذکر گردند. در موافقت نامه‌های لجزایر هیچگونه شرطی که موئید چنین

نتیجه‌گیری باشد، وجود ندارد. در پرونده حاضر، قراردادهای معتبر و نافذی موضوع اختلافند. هر دو قرارداد حاوی شرایط صریحی هستند مبنی بر اینکه بخشی از مبالغ متعلقه به خواهان، به دلار امریکا و بخشی دیگر به ریال ایران قابل پرداخت است. نظر به احراز این مطلب که با استناد به قراردادهای معتبر و نافذ، خواهان محق به دریافت پاره‌ای مبالغ است، دیوان نیز چاره‌ای جزاین ندارد که با صدور حکم پرداخت این مبالغ به ارز مقرر در همان قرارداد، شرایطی را که بهمان میزان، نافذ و معتبر می‌باشند، به مورد اجرا گذارد.

۱۰۹ - در صورتی که حکمی صادر و قید شود که تعهدی به ریال ایران پرداخت گردد و چنانچه شرطی وجود نداشته باشد که خلاف آنرا مقرر دارد، وجود ریالی باید در تاریخی که کارگزار امامی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین می‌دهد، به نرخ تبدیل رایج در آن وقت به دلار امریکا تبدیل گردد. معالومه‌ای از تاریخ نقض قرارداد در این پرونده نرخ برابری ریال به دلار بیش از آنچه که منطقاً "قابل پیش‌بینی می‌بود، نوسان داشته است". دیوان داوری معتقد است که طبق اصول کلی حقوق ملزم است اشارات ارزش نسبی ریال به دلار را بر مبلغ حکم صادره به نفع خواهان، مدنظر قراردهد، و با توجه به اینکه دیوان طبق ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی ملزم است تغییرات اوضاع و احوال را در نظر گیرد، این امر بیشتر ضرورت می‌یابد.

۱۱۰ - دیوان داوری ملاحظه نموده که متوسط نرخ تبدیل ریال ایران به دلار امریکا طی سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۹، یعنی در سالهایی که قریب ۹۰ درصد تعهدات ایجاد شد، حدود ۵۲/۵۰ ریال ایران در برابر یک دلار امریکا بود، در حالیکه نرخ تبدیل کنونی طبق آخرین نرخ منتشره^(۲۸) موجود قبل از صدور حکم حاضر، ۵۰/۸۰ ریال ایران به ازاء یک دلار امریکا می‌باشد. بنظر دیوان داوری منصفانه نیست خواهان اکنون ملزم شود که بار چنین تنزل ارزشی را کاملاً "متقبل گردد در حالیکه

(۲۸) طبق روزنامه تایمز لی لندن مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۶ (۲۹) فروردین ماه ۱۳۶۵ نرخ برابری دلار نسبت به ریال در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲۷) فروردین ماه ۱۳۶۵ ۸۰/۷۰ ریال بوده است.

تاء خیر در پرداخت مبالغی که وی می باستی دریافت می کرد، ناشی از نقض قرارداد توسط خواندگان بوده است.

۱۱۱ - با توجه به مراتب پیش گفته، دیوان نتیجه می گیرد که در پرونده حاضر منطق حکم می کند که با افزودن رقمی معادل $12/5\%$ وجه ریالی متعلقه به خواهان، مبلغ محکوم به تعديل گردد. دیوان مفادا "نتیجه می گیرد که تعديل مزبور، به دلیل طبیعت و ما هیت خویش نمی تواند عطف به ماسبق شود. بالنتیجه، در مورد قرارداد پست و تلگراف مبلغ ۱۷۷، ۵۴۱، ۸۰۰ ریال علاوه بر کل اصل مبلغ ریالی مورد حکم و بهره مربوط، و در رابطه با قرارداد شرکت نفت، مبلغ ۱۰۱، ۴۳۸ ریال عنوه بر اصل مبلغ ریالی محکوم به وبهره مربوط با بت تعديل، به نفع خواهان حکم داده می شود.

۱۱۲ - بعلاوه، دیوان برای نظر است که کلیه مبالغ مورد حکم به ریال، باید به نرخ تبدیل رایج، طبق آخرین نرخ منتشره قبل از صدور حکم حاضر (رجوع شود به پاراگراف ۱۱۰ بالا)، یعنی $80/25$ ریال ایران به ازاء یک دلار امریکا، به دلار تبدیل شوند.

نهام

هزینه ها

۱۱۳ - با توجه به اوضاع و احوال پرونده حاضر، دیوان داوری مقتضی می داند که خوانده، پست و تلگراف مبلغ ۲۰،۰۰۰ دلار امریکا با بت هزینه های داوری خواهان به نامبرده بپردازد.

دهم

حکم

۱۱۴ - به دلیل مذکور در فوق ،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

الف - وزارت پست و تلگراف و تلفن ملزم است مبالغ زیر را به مکالمات اند کا مبنی، اینک. بپردازد:

(یک) مبلغ ۶۸،۳۲۹،۴۱۷ (شصت و هشت میلیون و سیصد و بیست و نه هزار و چهارصد و هفده) ریال ایران ، به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) ، از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد؛

(دو) مبلغ ۸،۵۴۱،۱۲۷ (هشت میلیون و پانصد و چهل و یک هزار و یکصد و هفتاد و هفت) ریال ایران با بت تعمییل؛

(سه) مبلغ ۴۰،۴۹۹ دلار آمریکا (چهل هزار و چهارصد و نوصد و نه دلار آمریکا) ، به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۴ (۲۷ تیرماه ۱۳۶۳) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد؛

(چهار) مبلغ ۴۲۰،۴۹۳/۲۹ دلار آمریکا (چهارصد و بیست هزار و چهارصد و نه دلار و بیست و نه سنت) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (اول فروردین ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد؛ و

(پنجم) مبلغ ۲۰،۰۰۰ دلار آمریکا (بیست هزار دلار آمریکا) با بت هزینه‌های داوری .

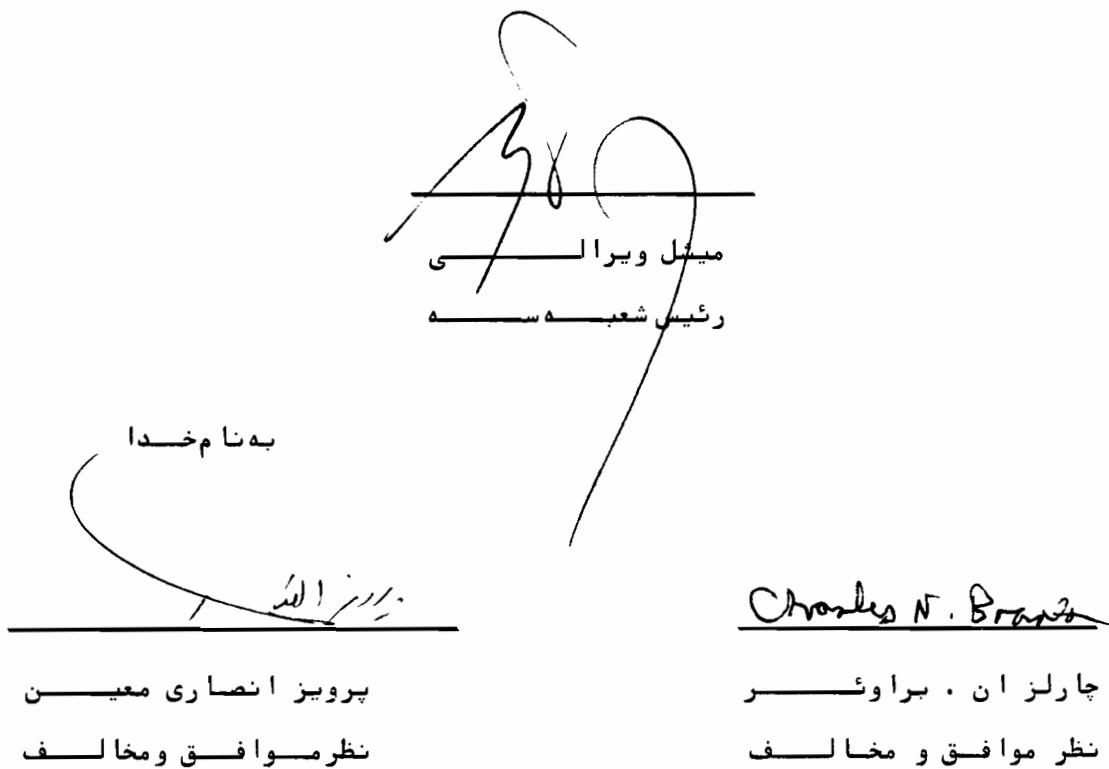
ب - شرکت ملی نفت ایران ملزم است مبالغ زیر را به مکالو اند کامپنی اینک . بپردازد:

(یک) مبلغ ۸۱۱،۵۰۵ (هشتصدویازده هزار و پانصد و پنج) ریال ایران به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰%) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۷ مهرماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد؛ و

(دو) مبلغ ۱۰۱،۴۳۸ (یکصد و یک هزار و چهل و هشت) ریال ایران با بت تعمییل؛

- (ج) کلیه تعهدات بالا با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهند شد. در رابطه با کلیه مبالغ محکوم به بهریال ایران (از جمله مبالغ بهره)، بدینوسیله به کارگزار امانی دستورداده می‌شود که اینگونه مبالغ را پس از تبدیل به دلار آمریکا به نرخ ۸۰/۲۰ ریال ایران در برابریک دلار آمریکا، پرداخت نماید.
- (د) ادعاهای متقابل شرکت ملی نفت ایران در حدودی پذیرفته می‌شود که شرکت نفت حق داشته باشد به موجب ماده ۱۱-۲ شرایط عمومی قرارداد شماره دی سی - ۲۱۰ که در تاریخ ۲۸ آوت ۱۹۷۷ (۶ شهریور ماه ۱۳۵۶) امضاء شده کلیه وجوه متعلق به مکاللو اند کامپنی، اینک را که تا کنون ضبط کرد و مسترد نداشته است، نگهدازد.
- (ه) ادعاهای متقابل وزارت پست و تلگراف و تلفن مردود شناخته می‌شوند.
- (و) بدینوسیله حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی بهریا است دیوان داوری تسلیم می‌گردد.

لاهه، به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۶ برابر با دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵



Charles N. Branstad
چارلز ان. براؤن
نظر موافق و مخالف
پرویز انصاری معین